



معجزه‌ی تذکر زبانی

محمد رضا اکبری

ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر / انتشارات پیام آزادی / چاپ چهارم ۱۳۸۲

دریافت شده از: پایگاه اطلاع رسانی ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر استان اصفهان / www.NemadeMehr.IR

فهرست مطالب

فصل اول - دانستنی‌های امر و نهی زبانی

جایگاه امر و نهی دینی

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف زبانی

مراتب امر و نهی زبانی

احکام فقهی

گستره ی امر و نهی زبانی

۱- امر به مستحبات

۲- نهی از مکروهات

۳- امر به واجبات

۴- نهی از محرمات

ویژگیهای الفاظ و جملات امر و نهی دینی

۱. شیوایی

۲. صراحت

۳. متانت

۴. جدیت

۵. اختصار

۶. اعتدال

۷. سلامت

۸. عطف

۹. اکرام

۱۰. آداب ارتباط با گنهکار

۱۱. موضع گیری های گنهکار

موضوع گیری های تذکر دهنده

۱. سکوت

۲. جواب های کلی

۳. پاسخ های کوتاه به مخالفت ها

چهار نکته

پی نوشت ها

فصل دوم - شیوه های امر و نهی زبانی

شیوه های امر و نهی زبانی

۱- امر به معروف ساده

۲- امر به معروف صریح

۳- امر به معروف تأکیدی

۴- امر به معروف اعتراضی

چگونه بگوییم؟

نمونه عملی

۵- امر به معروف تأییدی

چگونه بگوییم؟

نمونه عملی

۶- امر به معروف تعلیلی

چگونه بگوییم؟

نمونه عملی

۷- امر به معروف اخطاری

چگونه بگوییم؟

نمونه عملی

۸- امر به معروف انتفاعی

چگونه بگوئیم؟

نمونه عملی

۹- امر به معروف تحریر کی

چگونه بگوئیم؟

نمونه عملی

۱۰- امر به معروف استجیایی

چگونه بگوئیم؟

نمونه عملی

۱۱- امر به معروف قرآنی

چگونه بگوئیم؟

نمونه عملی

۱۲- امر به معروف حدیثی

چگونه بگوئیم؟

نمونه عملی

۱۳- امر به معروف فتوایی

چگونه بگوئیم؟

نمونه عملی

۱۴- امر به معروف منظوم

۱۵- امر به معروف ادبی

۱۶- امر به معروف داستانی

چگونه بگوئیم؟

۱۷- امر به معروف خواندنی

چگونه بگوئیم؟

۱۸- امر به معروف سوالی

چگونه طرح سوال کنیم؟

نمونه عملی

۱۹- امر به معروف اندازی

چگونه بگوییم؟

نمونه عملی

۲۰- امر به معروف استکراهی

۲۱- امر به معروف تحییبی

چگونه بگوییم؟

۲۲- امر به معروف نکوهشی

چگونه بگوییم؟

نمونه عملی

۲۳- امر به معروف مشفقانه

نمونه عملی

۲۴- امر به معروف استظهاری

چگونه بگوییم؟

نمونه عملی

۲۵- امر به معروف ذوقی

چگونه بگوییم؟

نمونه عملی

۲۶- امر به معروف طنز آمیز

نمونه عملی

۲۷- امر به معروف تکراری

نمونه عملی

۲۸- امر به معروف اعجابی

نمونه عملی

۲۹- امر به معروف غیر مستقیم

راه های امر و نهی غیرمستقیم

۳۰- امر به معروف تبشیری

چگونه بگوییم؟

۳۱- امر به معروف تهدیدی

انواع تهدید

چگونه بگوییم؟

نمونه عملی

۳۲- امر به معروف تدریجی

چگونه بگوییم؟

۳۳- امر به معروف امید آفرین

چگونه بگوییم؟

۳۴- امر به معروف تدبری

نمونه عملی

۳۵- امر به معروف اندرزی

چگونه بگوییم؟

نمونه عملی منظوم

۳۶- امر به معروف تمجیدی

چگونه بگوییم؟

۳۷- امر به معروف تاسفی

۳۸- امر به معروف توقعی

۳۹- امر به معروف حکیمانه

نمونه عملی

۴۰- امر به معروف مناظره‌ای

پی‌نوشت‌ها

فصل اول - دانستنی‌های امر و نهی زبانی

جایگاه امر و نهی دینی

امر و نهی دینی گل سرسبد احکام خدا هستند که دینداری مردم به وجود آنها شکل می‌گیرد. خداوند این دو اصل تابنده را در حدود ده آیه از آیات قرآن مورد توجه جدی قرار داده و انجام آنها را از ویژگیهای اهل ایمان به شمار آورده است. همان گونه که می‌فرماید:

والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر (۱)
مردان و زنان با ایمان یاور یکدیگرند امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

سرور پیامبران رسول گرامی اسلام و اهل بیت معصوم و آسمانی‌اش نیز معارفی را پیرامون این دو ستاره ی نور و هدایت بیان کرده‌اند تا مومنان راستین به انجام بهترین رتبه‌های دینداری که همان دفاع از دین خداست بار یابند و این دو نهر بزرگ آسمانی را در راستای پاکی و پاکیزگی دلهای اهل ایمان به جریان در آورند که بدون شک بهترین عمل صالح غبار زدایی و رفع سیاهی‌های گناه از سرزمین جان انسان‌هاست. وقتی امر و نهی دینی به فرموده‌ی اولیاء دین بهترین فریضه باشد برترین دینداری نیز در اجرای آنها نهفته است و بیشترین بها در بازار آخرت به این دو متاع گرانقدر اختصاص خواهد داشت.

سرور جانشینان رسول خدا امیرالمومنین که به حق امیر این دو حرکت نورانی است می‌فرماید:

تمام اعمال خیر و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر مانند قطره‌ای در برابر دریای پهنارند (۲)

امر و نهی دینی ارزش بزرگی دارد زیرا دستاورد این دو میراث گرانقدر انبیاء هدایت انسان است که بر تارک سلسله جبال ارزش‌های الهی سکنا گزیده است.

امر به معروف افشاندن بذر خوبی‌ها در مزرعه‌ی جان انسان‌هاست تا با به ثمر رسیدن هر بذر گلی از درون آن شکفته شود و جامعه‌گزارای از ارزشهای سبز و زیبای خوبی‌ها گردد. امر به معروف افزایش فضای سبز خانه‌ی دل‌ها و کویر زدایی معنوی از جامعه است و از همین و فلسفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر هدایت و صیانت شخص و اجتماع از بدی‌ها و گرایش به نیکی‌ها و پایداری و حاکمیت دین بر جامعه است.

امر به معروف و نهی از منکر دو اثر قطعی و دو اثر احتمالی دارد: آثار قطعی آنها پاداش آخرتی و رشدی است که امر به معروف در پرتوی عمل خود به آن دست می یابد و این دو اثر گرانبها کافی است که من در صحنه های امر به معروف و نهی دینی حضور داشته باشد و دو اثر احتمالی آن هدایت بندگان خدا و رشد و سلامت فرهنگی جامعه است.

امر به معروف گل سرسبد حرکت های اجتماعی انسان است و اگر اهل ایمان تجسم زیبای امر و نهی دینی خود را در آخرت می دیدند هرگز آن را کم رنگ نمی ژانگاشتند و اگر آن اندازه که اهل تجارت به تبلیغ کالای خود می پردازند ما به تبلیغ دین خود می پرداختیم این اندازه ارزشها ناشناخته نبودند و دین و دینداران غریب نمی ماندند. غربت مومنان نتیجه ترک امر و نهی ناشی از ضعف محبت به خدای متعال و دین آسمانی اوست. نشانه ی دوستی حقیقی بر آوردن خواسته های خداوند است که هر کس به محبت او بار یابد با اشتیاق به انجام آنها همت گمارد. امر به معروف پیام خداوند است که مومن برگزیده های آن را به مومن خطا کار اعلام می کند و نهی از منکر پایان دادن به شعله های سیاه گناه می باشد که بندگان شایسته خداوند مسئولیت پرافتخار آنرا برعهده می گیرند و از همین روست که باید گفت: نهی از منکر بارش قطرات زلال باران بر سرزمین جان گنه کاران است که شعله های معصیت را خاموش می سازد و به گسترش تیرگی های قلبش پایان می بخشد.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف زبانی

امر و نهی دینی دارای سه مرتبه اظهار تنفر قلبی، امر نهی زبانی و اعمال قدرت است و بحث ما در این کتاب پیرامون مرتبه دوم یعنی امر نهی زبانی می باشد.

امر به معروف زبانی مهمترین بخش امر به معروف و نهی از منکر است که به عنوان یک وظیفه همگانی برای اصلاح و آگاهی بندگان خدا تشریح گردیده است و از نقش اصلاحی خوبی برای همه انسانها در همه زمانها و محیط های اجتماعی و خانوادگی برخوردار است. این برنامه آسمانی به گونه ای است که هر کس علاقه مند به سلامت معنوی محیط زندگی خود باشد می تواند به آسانی در خیل عظیم مصلحان بی نام نشان جامعه درآید و به اندازه توان خود نهالی از معرفت بنشانند و شعله ی سیاهی از آتش گناه را خاموش کند و

در نتیجه دهان خود را به رایحه خوش پیام خداوند خوشبو گرداند باشد که پروردگار عالم او را در دیوان مدافعان از دین خود ثبت نماید و از تجلی نور غیرت او خشنود گردد.

مراتب امر و نهی زبانی

مرتبۀ زبانی امر به معروف نیز دارای سه مرحله است :

۱- موعظه و گفتار نرم .

۲- امر و نهی آرام .

۳- امر نهی تند

رعایت مراحل زبانی الزامی است و اگر کسی بتواند با مرحله اول به وظیفه خود عمل کند نباید به مرحله دوم وارد شود و اگر بتواند با مرحله ی دوم وظیفه ی خود را به انجام رساند نباید وارد مرحله ی سوم گردد بلکه در مراتب امر به معروف و نهی از منکر رعایت مرتبه اول پیش از مرتبه دوم الزامی نیست مگر اینکه مرتبه اول برای گنهکار آسانتر باشد که در این صورت رعایت مرتبه اول واجب خواهد بود و گرنه از میان رتبه اول و دوم هر کدام از اظهار تنفر قلبی و امر و نهی زبانی بر گنهکار آسانتر باشد عمل به آن واجب خواهد بود و ما در بحث بعدی احکام فقهی آنرا بیان خواهیم کرد .

احکام فقهی

۱. اگر احتمال دهد که هدف با موعظه و ارشاد و سخن نرم برآورده می شود واجب است به همین صورت عمل کند و به بیش از آن تعدی نکند .

۲. اگر بداند که موعظه ارشاد و سخن نرم تاثیر نمی کند امر و نهی زبانی کند و در صورت احتمال تاثیر از آسان ترین مرتبه آن شروع نماید و به بیش از آن تعدی نکند به ویژه اگر گنهکار از امر و نهی او مورد هتک قرار می گیرد.

۳. اگر بر طرف شدن منکر و اقامه معروف متوقف بر سخن تند و شدت بخشیدن در امر و تهدید و وعده ی مخالفت با گنهکار باشد جایز و بلکه با پرهیز از دروغ واجب است.

۴. جایز نیست در انجام نهی از منکر، از حرام و منکر مثل فحش و دروغ و اهانت کمک گرفته شود بله اگر منکر از جمله چیزهایی باشد که اسلام به آن اهمیت می دهد و به هیچ وجه به انجام آن راضی نباشد نظیر قتل انسان محترم یا ارتکاب گناهان قبیح و بزرگ که وعده ی عذاب بر آن داده شده است جایز و بلکه واجب است ممانعت شود اگر چه لازم شود از آنچه گفته شد کمک گرفته شود.

۵. اگر بعضی از مراتب امر و نهی زبانی آزار و اهانت کمتری از بعضی از آنچه در مرتبه ی اول ذکر شد داشته باشد باید به آنها اکتفا شود. پس اگر موعظه و ارشاد با سخن نرم و چهره ای باز موثر باشد یا احتمال تاثیر آن برود آزار کمتری از دوری اعراض و امثال آن داشته باشد جایز نیست دوری و اعراض شود. انسان ها در بیان و شنیدن امر و نهی متفاوتند چه بسا دوری و رو گردانی از شخصی از امر و نهی او شدیدتر و سنگین تر و اهانت آمیزتر باشد و از همین رو امر و نهی کننده باید مراتب اشخاص و عمل به مرتبه آسان تر و راحت تر را مورد توجه قرار دهد.

۶. اگر تاثیر امر و نهی به استفاده از مرتبه اول و دوم باشد باید ضمن امر و نهی زبانی از او دوری و اعراض شود. (۳)

گستره ی امر و نهی زبانی

امر و نهی زبانی گسترده ترین مرتبه از مراتب امر به معروف است به گونه ای که بخش اعظم این وظیفه الهی با زبان عملی می شود زیرا امر و نهی دینی چهار قسم کلی دارد که یا تنها به وسیله زبان جامه عمل می پوشند و یا زبان نقش بیشتری را در انجام آنها دارد و ما برای وضوح بیشتر بحث این اقسام چهار گانه را مورد بررسی قرار می دهیم .

۱- امر به مستحبات

امر به مستحبات تنها با رتبه دوم یعنی به وسیله زبان انجام می گیرد و رتبه اول و سوم ندارد زیرا مرتبه اول که اظهار تنفر قلبی است و همچنین مرتبه سوم که اعمال قدرت برای انجام معروف است در آن مطرح نیست چه اینکه امر به مستحبات مستحب می باشد .

۲- نهی از مکروهات

در نهی از مکروهات نیز مانند امر به مستحبات مراتب سه گانه امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد و تنها نهی از منکر زبانی انجام می گیرد زیرا اگر چه مکروهات مورد نهی قرار گرفته اند اما با توجه به اینکه اسلام به نوعی مردم را در انجام آنها آزاد گذارده است اظهار تنفر قلبی که مرتبه اول است و اعمال قدرت که مرتبه سوم می باشد در مکروهات مطرح نیست چه این که نهی از مکروهات مستحب می باشد .

۳- امر به واجبات

در امر به واجبات مراتب سه گانه امر به معروف وجود دارد اما مرتبه دوم که مرتبه زبانی است از همه گسترده تر است زیرا غالباً اظهار تنفر قلبی نظیر ترشروی ، سرد برخورد کردن و روگردانی که مرتبه اول است برای گنه کار سنگین تر از سخن ملایم و نصیحت به اوست و به فتوای فقهای اسلام اگر مرتبه دوم برای گنه کار آسان تر از مرتبه اول باشد واجب است به مرتبه دوم عمل عمل شود در نتیجه مرتبه دوم که مرتبه زبانی است گسترده تر از مرتبه اول می باشد .

مرتبه زبانی امر به واجبات از مرتبه سوم که توسل به زور است هم گسترده تر می باشد زیرا امر به بسیاری از واجبات به واسطه زبان انجام می گیرد و نوبت به مرحله ی اعمال قدرت نمی رسد و مواردی هم که انجام آنها با توسل به زور صورت می گیرد به عهده ی نظام اسلامی است و اگر نظام هم در انجام وظیفه ی خود کوتاهی کند بسیاری از ترک واجبات که انجام آنها نیازمند اعمال قدرت است به خاطر ضرری که برای آمران به معروف دارند واجب نخواهند بود نتیجه این که غالب امر به واجب ها به صورت امر به معروف زبانی انجام می گیرد

۴- نهی از محرمات

در این قسم از نهی از منکر هم مراتب سه گانه امر و نهی دینی وجود دارد اما نهی از منکر زبانی از دو مرتبه اول و سوم گسترده تر است و دلایل آن دقیقاً همان دلایلی است که در امر به واجبات مطرح گردید .

ویژگیهای الفاظ و جملات امر و نهی دینی

کلمات امر به معروف از جایگاه مهم و حساسی برخوردارند زیرا این کلمات پرندهگانی هستند که پیام خداوند را بر بال خود می‌نشانند و بر بام وجود گنجهکار می‌نشینند بنابراین شایسته است بهترین عالی‌ترین و شایسته‌ترین کلمات را برای انجام این ماموریت الهی انتخاب کنیم تا تنها تناسب پیام و صاحب پیام که خداوند متعال است حفظ گردد وقتی امر به معروف آگاه باشد که از سوی چه کسی ماموریت دارد و ماموریت او از کدامین ماموریت‌های عالم وجود است برای پیام خداوند و انجام ماموریت الهی و پیامبر گونه خود پاکیزه‌ترین، نورانی‌ترین و دل‌نشین‌ترین کلمات و ادبیات خود را به عرصه این ماموریت مقدس می‌آورد تا این پیام آسمانی به زیباترین شکل خود تجلی کند و پذیرش مخاطب را در رتبه بالاتری قرار دهد. با توجه به اهمیتی که برای الفاظ امر و نهی دینی بیان گردید به ویژگیهای آنها می‌پردازیم تا با رعایت آنها درصد موفقیت امر نهی‌کنندگان دینی بالاتر رود.

۱. شیوایی

جمله شیوا جمله‌ای رسا؛ فصیح و روان است و چون تذکر به دیگران با صفت شیوایی همراه باشد نزد مخاطب دلنشین‌تر و تاثیرگذارتر است. امر به معروف باید به راحتی فهمیده شود و از هرگونه پیچیدگی، نامفهومی و کلمات نامانوس و جمله بندی‌های ناقص و ثقیل به دور باشد به گونه‌ای که گنه‌کار با سهولت و سرعت محتوای آن را درک کند به ویژه اینکه فرصت امر و نهی بیش از چند لحظه نباشد نظیر اینکه در طول چند لحظه‌ای که از کنار یک راننده بی‌نظم می‌گذریم بگوییم: با رانندگی خود آرامش مردم را به هم نزن.

۲. صراحت

جمله صریح، جمله‌ای است که از وضوح و روشنی لازم برخوردار باشد امر به معروف باید صریح بیان شود به گونه‌ای که گنجهکار به راحتی منظور تذکر دهنده را بفهمد و دچار برداشت غلط نگردد. در پرده بیان کردن امر و نهی دینی فهم آن را دشوار کرده و گاهی سخن را چند پهلو می‌کند به گونه‌ای که برداشت‌های مختلفی از آن می‌شود، نتیجه چنین سخنی آن می‌شود که وظیفه انجام نگرفته و ارشادی

صورت نپذیرفته باشد البته صراحت در محتوا غیر از صراحت در بیان است و در مجموع باید به گونه ای تذکر دهیم که مخاطب سخن و هدف ما را به خوبی بفهمد.

۳. متانت

امر و نهی دینی باید متین یعنی محکم و استوار باشد و ضعف و سستی در آن راه نداشته باشد وقتی کلمات ارشادی با وقار و ثبات لازم همراه باشد درصد اعتماد و پذیرش را بالا می برد پس اگر به کسی که دیگران را مسخره می کند بگوییم: یک انسان با شخصیت دیگران را مسخره نمی کند با این جمله که بگوییم: «بیمزگی نکن» تفاوت بسیار دارد.

۴. جدیت

الفاظ تذکر باید جدی و به دور از هر گونه شوخی و تسامح باشد در غیر این صورت مخاطب آنها را جدی نخواهد گرفت و امر نهی دینی صورت نخواهد پذیرفت. نمونه جدی تذکر این است که به کسی که تکبر می ورزد بگوییم: خداوند انسانهای متکبر را دوست ندارد پس توهم متکبر نباش.

۵. اختصار

تذکر باید مفید و مختصر باشد و در چند کلمه گویا و شفاف امر و نهی دینی به گنهکار ابلاغ شود مثلاً به کسی که با بوق های نابهنگام خود دیگران را می ترساند و یا با سرعت بیش از حد خود عابران پیاده را به وحشت می اندازد با استفاده از کمترین فرصت بگوییم: ترساندن دیگران حدام است. بله در برخی موارد که امکان و زمینه و شرایط توضیح لازم و مفید وجود دارد اختصار لازم نیست.

۶. اعتدال

کلمات و جمله بندی های امر و نهی دینی باید از هر گونه افراط و تفریط و بزرگ و کوچک کردن گناه به دور باشد، مکروه را حرام جلوه ندهیم، معصیت کوچک را معصیت کبیره معرفی نکنیم و معصیت بزرگ را

گناه کوچک نشان ندهیم و خلاصه بدی و زشتی و قبح گناه را به همان اندازه که در شرع اسلام وارد شده است بیان کنیم نه کم نه زیاد .

۷. سلامت

الفاظ و جمله های تذکر باید سالم و صالح باشد و از آفاتی چون نیش زدن ، تحقیر توهین و فحش و هرگونه بدگویی دیگران برکنار باشد تا وظیفه ی دینی انجام گیرد و آمر به معروف در حرکات اصلاحی خود پیروز شود امیرالمومنین (ع) فرمود : من حسن کلامه کان النجیح امامه (۴) کسی که سخنش نیکو باشد پیروزی در پیش روی اوست .

سخنان آفتمند تاثیری ندارند و چه بسا جز گناهان به حساب آیند و با گناه نمی شود خدا را اطاعت کرد و گناه کاری را هدایت کنیم بلکه سخنان آفت مند می توانند گنهکار را در موضع بدتری قرار دهند . تذکر دهنده اگر چه از گناه و گنهکار ناراحت است اما نباید برای خنک کردن دل خود توهین کند و ناسزا گوید زیرا ما به دنبال اصلاح دیگران هستیم و نه خنک کردن دل خود . دل مومن در آخرت خنک خواهد شد و این تقدیری است که رقم خورده است .

۸. عطفوت

کلمات مورد استفاده در امر و نهی دینی باید به مهربانی آراسته باشند استفاده از کلماتی نظیر برادرم، خواهرم و امثال آنکه نماد عطفوت و نزدیکی با مخاطب است . امر و نهی کننده را به امر و نهی شونده نزدیک می سازند و این نزدیکی میزان پذیرش را بالاتر می بردند. ادبیات امر به معروف می تواند به نوعی با مهربانی همراه باشد البته لحاظ این ویژگی همیشگی نیست و گاهی غلظت و درشتی واجب می گردد اما اصل بر این است که در ارشاد دیگران مهربان باشیم و بدی های آنها را با خوبی پاسخ دهیم مبادا بدی آنها ما را به بدی بکشاند که کار الهی ما را ضعیف خواهد کرد. رفتار خوب ما در برابر بدی های دیگران تکانی روحی به آنهاست ضمن اینکه پاداش بزرگی را برای تذکر دهنده به همراه دارد.

مردی به پیامبر(ص) عرض کرد: یا رسول الله من اقوامی دارم که با آنها صله‌ی ارحام می‌کنم اما آنها با من قطع رابطه کرده‌اند من به آنها احسان می‌کنم اما آنها با من بد رفتاری می‌کنند، من بر بدی‌های آنها حلم می‌ورزم اما آنها بر من جهالت می‌کنند. حضرت فرمود: اگر آنگونه باشی که می‌گویی گویا رنج و ناراحتی که از برخورد خوب تو به آنها می‌رسد دردناک‌تر است و تا تو در چنین حالی باشی خداوند پشتیبان تو خواهد بود. (۵)

۹.۱ اکرام

احترام به گنهکار باید در الفاظ و ادبیات امر و نهی دینی مورد توجه قرار گیرد و به تعبیر دیگر ادبیات امر به معروف باید محترمانه باشد به گونه‌ای که گنهکار این ویژگی را احساس نماید و زمینه پذیرش در او تقویت گردد نظیر این که به خانمی که پوشش دینی را مراعات نکرده است گفته شود: شما خانم محترمی هستید اما پوشش شما بر خلاف احکام اسلام و رضایت خداوند است مراعات بفرمایید خود را بپوشانید. البته اشاره به این نکته لازم است که احترام به گنهکار نظیر احترام به صاحبان علم و فضیلت نیست که شخصیت آنها بخاطر ارزش‌های که دارند قابل تکریم است بلکه از آن جهت که گنهکارند مورد مذمت هستند اما بخاطر موفقیت در تذکر خود به آنها احترام می‌گذاریم هر چند ذاتاً استحقاق چنین اکرامی را نداشته باشند.

از آنجایی که بحث احترام و بی‌احترامی به گنهکار از مباحث مهم امر به معروف و نهی از منکر است مطالب بیشتری را در این باره ارائه می‌دهیم.

احترام به گنهکار از عوامل موفقیت عرصه امر و نهی دینی است و او را از لجاجت و عصبی شدن دور کرده و درجه‌ی پذیرش او را بالا می‌برد زیرا امر و نهی دینی در عین حال که یک حرکت مثبت و متعالی است در مواردی این ذهنیت را برای گنهکار پدید می‌آورد که مبادا تذکر دهنده قصد توهین و تحقیر او را دارد اما با احترامی که به او می‌گذارد این ذهنیت منفی از میان می‌رود.

ذهنیت دیگری برای گنهکار مطرح است و آن اینکه تذکر دهنده او را گنهکاری بیش نمی‌داند پس برای من شخصیتی قائل نیست اما وقتی مشاهده می‌کند حرمت او بطور کامل حفظ شده است سوء ظن احتمالی او به حسن ظن تبدیل می‌گردد نکته روانشناختی دیگری وجود دارد و آن این است که احترام به گنهکار موجب می‌شود احساس شخصیت کند و این احساس زمینه خوبی برای پذیرش تذکر است زیرا کسانی که

احساس شخصیت نمی‌کنند حق‌پذیری در آنها ضعیف و با تعلل و تاخیر و بهانه‌جویی همراه است و چه بسا کار آنها به استهزاء امر و نهی و آمر و ناهی کشیده شود البته نباید احترام به گنهکار با اغراق همراه باشد و از حالت طبیعی خارج گردد زیرا در این صورت تذکر دهنده در ذهن گنهکار زیر سوال می‌رود و در نتیجه پذیرش او ضعیف می‌گردد .

احترام به گنهکار این است که با اخلاق اسلامی و رعایت حقوق دیگران و پرهیز از هر گونه بد رفتاری و بد گفتاری با او روبرو شویم اما عده‌ای به جای آن با طرح مسائل غیر واقعی شخصیت دروغین را از گنهکار به او ارائه می‌دهند استفاده از عناوین چون شما از سرمایه‌های اسلام هستند اسلام به وجود شما نیازمند است شما از افتخارات کشور به شمار می‌روید و آنچه که گنهکار از آن تعجب می‌کند و خود را در آن جایگاه نمی‌بیند نه تنها تاثیر مثبتی ندارد که از تاثیر منفی هم برخوردار می‌باشد بلکه گاهی از این تعریف‌ها نسبت به افراد خاص و محدودی مبالغه به حساب نمی‌آید که در این صورت استفاده از آنها می‌تواند سودمند باشد .

آنچه که باید از سوی تذکر دهنده انجام گیرد احترام بدون افراط و تفریط به گنهکار است و احترام ما نباید به خضوع و تواضع بیش از حد در برابر او منتهی شود و گرفتار مدهانه گردیم مدهانه که اسلام از آن نهی کرده است همان چرب‌زبانی، تملق داشتن روابط بسیار خوب و عادی با کسی است که بی‌پروا گناه می‌کند .

بنابر آنچه بیان گردید رفتار ما با گنهکار باید معقول باشد نه توهین کنیم و نه راه مدهانه را پیش‌گیریم زیرا مدهانه نوعی تایید گنهکار است و او را در انجام گناه جسورتر می‌سازد و توهین ما او را بر سر لجاجت آورده و بر جسارت او در ارتکاب گناه می‌افزاید .

خطا کاران در یک جایگاه منفی دینی و اجتماعی قرار دارند از این رو به نوع نگاه دیگران به خود حساسند حال اگر کسی به آنها اهانت کند این حساسیت بیشتر شده و واکنش مضاعفی را به همراه دارد و نتیجه امر و نهی دینی را که تاثیر مثبت در رعایت تقواست از میان می‌برد اما احترام به آنها با توجه به جایگاه منفی که دارند آنها را به استقبال بهتری از امر و نهی دینی سوق می‌دهد ضمن اینکه توهین بی‌حرمتی به دیگران از شان آمران به معروف که در مسیر پاک پیامبران الهی حرکت می‌کنند به دور است و بلکه منکری است که باید از آن پرهیز نمود .

۱۰. آداب ارتباط با گنهکار

امر به معروف مثل بسیاری از امور دیگر دارای ادبیات روانشناسی و فرهنگ و شیوه های خاص خود است که اگر کسی آنها را مورد توجه قرار دهد به موفقیت می رسد کسی که تصمیم می گیرد امر به معروف کند با توکل بر خدا به سوی گنهکار می رود و به او سلام می کند سلام کلید ارتباط و گفتگوست و وقتی باسلام ارتباط برقرار گردید بخشی از ماموریت انجام گرفته و راه برای ادامه ی کار گشوده می گردد مثلا می گوید: این دستور خداست که مردم از تحقیر یکدیگر پرهیزند و شما هم این کار را ترک کنید.

۱۱. موضع گیری های گنهکار

پس از تذکره سه موضع گیر از سوی گنهکار می تواند بروز کند:

الف- پذیرش

در این صورت شایسته است او را دعا کند نظیر آنکه بگوید: از پذیرش شما سپاس گذارم خداوند شما را از خوبان و پرهیزکاران قرار دهد و یا امیدوارم همیشه در انجام این وظیفه موفق باشید و یا امیدوارم برای همیشه از این گناه دوری کنید دعا به گنهکار سه ویژگی مثبت را به همراه دارد ۱- کمک بیشتر خداوند ۲- اثبات صداقت صمیمیت امر نهی کننده ۳- تاثیر بیشتر تذکره.

دعا کردن همیشه پس از تذکره نیست بلکه می تواند پیش از پذیرش گنهکار باشد نظیر اینکه پس از امر و نهی دینی بگوید: امیدوارم این سخن من که برای رضای خدا عرض کردم در دل شما اثر داشته باشد و یک خوبی به خوبی های شما افزوده گردد و یا بگوید: از خدا می خواهم سخن مرا در دل شما موثر قرار دهد و شما را بر رعایت آن موفق بدارد آنگاه خدا را شکر گوید که توفیق این امر به معروف را نصیب او فرمود و دعا کند همواره او را در اصلاح دیگران یاری دهد.

ب: سکوت

این سکوت می تواند علامت رضایت و یا نشانه ی ناخوشنودی گنهکار باشد و در هر صورت ماموریت تذکره دهنده پایان می یابد.

البته در این موقعیت هم می توان برای تاثیر تذکره در او دعا کرد و یا خدا را بر انجام تذکره که اتمام حجت برای گنهکار است به شهادت گرفت نظیر آنکه بگوییم: ((خدا یا تو شاهد باش که پیامت را به بندهات

رساندم)) این امور به تشخیص امر به معروف مربوط می شود که چگونه امر و نهی دینی خود را مدیریت کند و در چه موقعیتی چه تصمیمی بگیرد و چه بگوید چه نگوید

ج- مخالفت

شیطان در انسان گنهکار سهم دارد و حاضر نیست سهم خود را از دل او از دست بدهد از این رو القاء مخالفت می کند که یکی از وسوسه های کهنه شده ی اوست و آمر به معروف باید ضمن هدایت مخاطب وسوسه زدایی از قلب گنهکار را هم مورد توجه قرار دهد .

در برابر این مخالفت به شهادت گرفتن خداوند به این گونه که بگوییم: ((پروردگارا من پیام تو را به بنده ات رساندم و به وظیفه ام عمل کردم)) موثر است و گنهکار را با اتمام حجت بیشتری روبرو می سازد .

موضع گیری های تذکر دهنده

چند موضع گیری در برابر مخالفت گنهکار در پیش روی ماست که به آنها اشاره می کنیم:

۱. سکوت

سکوت در برابر گنهکار در اکثر موارد ضعف به حساب می آید زیرا گمان می کند مخالفت او صحیح و بدون پاسخ است.

۲. جواب های کلی

جواب های کلی از ندادن جواب بهتر است زیرا سکوت در برابر مخالفت گنهکار به نوعی تایید او را به همراه دارد و چه بسا او را به غرور سوق دهد اما جواب کلی نظیر اینکه پس از مخالفت او بگوییم: من به وظیفه ام عمل کردم و اکنون نوبت شماست یا بگوییم: من شما را به دستور خداوند آگاه کردم ، خود دانید یا بگوییم : به جای این مخالفت ها کمی به سخن من فکر کنید و یا بگوییم : مخالفت با امر به معروف از گناهان بزرگ است(۶) و یا برخی از روایات مربوط به مخالفت گنهکار را که ما در کتاب ((حافظان حریم)) پیرامون امر به معروف نگاشتیم نقل کرده ایم برای او بخواند.

۳. پاسخ های کوتاه به مخالفت ها

مخالفت با تذکره، از گناهان کبیره است زیرا مخالفت با یک اصل قرآنی و مسلم دینی است که از ضروریات اسلام به شمار می رود البته اگر کسی اصل امر به معروف را قبول نداشته باشد مخالف ضروری دین مسلمان نیست و ضروری دین چیزی است که همه می دانند جزء اسلام است .

اما اگر اصل امر و نهی دینی را قبول داشته باشد و در مواردی با آن مخالفت ورزد کافر نیست بلکه فاسق می باشد و ما در اینجا به مخالفتها پاسخ می دهیم تا گنهکاران بدانند که مخالفت آنها صحیح نیست و پاسخ دارد و ما با سکوت خود آنها را تایید نمی کنیم. اما مهم ترین مخالفتها و پاسخ ها عبارتند از :

۱. آزادم

ج) بله آزادی که گناه می کنی ، اگر بنده خدا بودی گناه نمی کردی .

۲. به شما مربوط نیست .

ج) به خدا که مربوط است من دستور خدا را بیان کردم .

۳. دخالت نکن .

ج) امر به معروف دخالت من نیست دخالت خداست .

۴. شما چه کاره هستید ؟

ج) فرمانبردار خدا

۵. مزاحم نشو .

ج) مزاحم نیستم امر خدا را اجرا می کنم .

۶. برو به کار خود برس .

ج) کار من همین است که خداوند به آن امر کرده است

۷. به خودم مربوط می شود .

ج) به خدا مربوط نمی شود ؟

۸. لازم نیست ما را امر به معروف کنید

ج) ولی خداوند لازم می داند.

۹. مملکت صاحب دارد

- (ج) صاحب مملکت امر به معروف را واجب کرده است .
۱۰. گناه من یک مسئله شخصی است
- (ج) گناه شخصی هم مخالفت با خداست و باید ترک شود
۱۱. دوست دارم چنین کنم
- (ج) پس دین خدایی که تو را آفرید چه می شود؟
۱۲. ما را در یک قبر می گذارند و شما را در قبر دیگر .
- (ج) بله قبرها جداست اما ما نسبت به یکدیگر مسئولیم.
۱۳. عیسی به دین خود موسی به دین خود .
- (ج) ولی این شعار اسلام نیست اسلام همه را مسئول یکدیگر می داند
۱۴. خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت باش .
- (ج) ولی رسوایی گناه بیشتر است
۱۵. قلبت پاک باشد
- (ج) گنهکار قلب پاکی ندارد .
۱۶. از کی تا به حال متدین شدی؟
- (ج) از خدا می خواهم متدین باش .
۱۷. نیازی به نصیحت ندارم .
- (ج) کسی که خطا می کند نیازمند نصیحت است
۱۸. من مسلمان نیستم .
- (ج) بنده ی خدا که هستی ، من دستور خدا را به شما گفتم .
۱۹. دیگران بدتر از ما هستند.
- (ج) بدتری دیگران مجوز گناه شما نیست .
۲۰. خشک نباش
- (ج) رعایت احکام اسلام خشکی نیست .
۲۱. گناه زیادی نکردم .

ج) چون گناه مخالفت با خداست کم آن هم زیاد است .

۲۲. تعصب نداشته باش

ج) چرا به دین خدا تعصب نداشته باشم

۲۳. تعصب خشک نداشته باش .

ج) پایبندی به اسلام تعصب خشک نیست ، یک ارزش متعالی است .

۲۴. ما گرفتار شده ایم .

ج) ولی همیشه امکان بازگشت وجود دارد و اراده ات آزاد است .

۲۵. همه مشکلات برطرف شده و تنها همین کار من مانده است ؟

ج) هر گناهی شعله ای از آتش است که باید خاموش شود .

چهار نکته :

چهار نکته مهم وجود دارد که بیش از شروع بحث شیوه ها به آنها می پردازیم .

نکته اول: اگر چه شیوه های تذکر زبانی متنوع و گسترده است اما همان گونه که موثرترین شیوه را برای ارشاد مخاطب خود بر می گزینیم باید ملایم ترین و خوشایندترین شیوه را هم انتخاب کنیم وبا وجود شیوه های ملایم و تاثیرگذار به شیوه های تند متوسل نگردیم البته اگر تاثیر تذکر ما منحصر به بهره گیری از شیوه های تند باشد واجب است با تندی تذکر دهیم اما بیش از مقدار لازم تندی نکنیم .

نکته دوم : هر کس مورد امر و نهی قرار گیرد گنهکار نیست زیرا بخشی از امر و نهی های ما به مستحبات و مکروهات مربوط می شود بنابراین اگر در این کتاب از فردی که مورد تذکر قرار می گیرد با تعبیر گنهکار یاد می شود به خاطر ترک واجب و انجام حرام است که مهمترین بخش امر به معروف و نهی از منکر به آن مربوط می شود .

نکته سوم : اگر چه امر به معروف و نهی از منکر معنای گسترده تری از تذکر زبانی دارد اما استفاده از این تعبیر به خاطر آن است که امروز تذکر زبانی معنایی معادل معنای امر به معروف و نهی از منکر زبانی را پیدا کرده است و دیگر معنای لغوی صرف آن مراد نیست که تنها تذکر و یاد آوری باشد و حقیقت امر و نهی کردن در آن مطرح نباشد .

نامگذاری کتاب حاضر هم به معجزه ی تذکر زبانی بر اساس همین تحلیل از تذکر می باشد .
نکته چهارم: اگر چه امر به معروف و نهی از منکر دو واجب هستند اما استفاده تنها از امر به معروف در
عناوین کتاب بدون ذکر نهی از منکر به خاطر رعایت اصل اختصار در عنوان هاست .

پی نوشت ها:

- [۱] - سوره توبه آیه ۷۱
- [۲] - نهج البلاغه ، حکمت ۳۷۴
- [۳] - تحریر الوسیله ، جلد ۱ ، کتاب الامر بالمعروف .
- [۴] - عیون الحکم والموعظه ، ص ۴۵۶
- [۵] - اصول کافی ، باب اصناف و عدل ف جلد ۱۰
- [۶] - مجمع البیان ، ج ۱ ص ۳۰۱

فصل دوم - شیوه‌های امر و نهی زبانی

شیوه‌های امر و نهی زبانی

تذکر زبانی می‌تواند با شیوه‌های فراوان متنوعی انجام گیرد و ما در این کتاب چهل شیوه موفق و تجربه شده را مورد بحث و بررسی قرار دهیم و چگونگی بیان آنها را همراه با نمونه‌های عملی و طرح می‌کنیم تا عمل کنندگان به این دو فرضیه‌ی نورانی بتوانند با این منبع گسترده‌ی روش‌ها، شیوه متناسب با زمان مکان و شخصیت خود و مخاطبانشان را برگزینند.

۱- امر به معروف ساده

رایج ترین امر و نهی دینی ، امر و نهی ساده است این شیوه به خاطر ادبیات روان و محتوای روشنی که دارد بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد و تاثیر گذاری خاص خود را هم به همراه دارد .

چگونه بگوییم ؟

مثلا به کسی که در بحث با دیگران خودنمایی (مراء) می کند بگوییم : مراء نکن و یا به کسی که در جواب سلام دیگران می گوید: سلام از ماست بگوییم :جواب سلام واجب است و شما جواب سلام ما را ندادید . و یا به کسی که وسواسی است بگوییم : وسواس خود را ترک کن و به آن اعتنا نکن .

تذکر ساده می تواند به صورت امر و نهی انجام شود و اگر تاثیر نداشته باشد به روش استدعایی عملی گردد. امام خمینی در احکام امر به معروف آورده است : اگر بداند نهی از منکر او جز با استفاده از موعظه و استدعا تاثیر نمی کند باید با موعظه یا استدعا او را نهی کند و اگر بداند که تنها استدعا و موعظه اثر دارد و امر و نهی تاثیری ندارد واجب است استدعا و موعظه کند (۱)

نمونه عملی

مردی به امام حسین (ع) رسید قبل از هر چیز گفت: حالت چطور است خداوند سلامتی دهد .

امام (ع) فرمود: سلام کردن بر سخن گفتن مقدم است خداوند به تو سلامتی دهد .

آنگاه فرمود :به کسی اجازه سخن ندهید تا اول سلام کند. (۲)

۲- امر به معروف صریح

تذکر صریح وبدون پرده نیز از انواع امر و نهی زبانی است که بخش قابل توجهی از این فریضه الهی را به خود اختصاص داده است در این نوع از تذکر که بنا بر مصالحی تذکر دهنده آن را برمی گزیند با صراحت تمام به گنهکار امر و نهی دینی می کند .

چگونه بگوییم ؟

مثلا به کسی که شراب می خورد بگوییم :شراب نخور که پیامبر فرمود :

شارب الخمر کعابد الوثن (۳)

شراب خوار مانند بت پرست است .

یا به کسی که لباس جنس مخالف خود را پوشیده است بگوییم لباس خاص جنس مخالف را به تن نکن و یا به پیمان شکن بگوییم :به عهد خود وفادار باش .

نمونه عملی :

روزی عایشه از زنی نام برد ودر ضمن سخن خود گفت :او کوتاه قداست .

پیامبر (ص) فرمود :غیبت او را کردی (۴)

یادآوری : تذکر صریح برای برخی از گنهکاران سنگین است و زمانی باید از آن بهره گرفت که امکان اجرای شیوه های آسانتر را در پیش رو نداشته باشیم.

۳- امر به معروف تاکیدی

برخی گنهکاران جدیتی در کار خود ندارد و یا سخن تذکر دهنده را جدی نمی گیرند و یا به خاطر اراده ی ضعیف و یا هر علت دیگر آن را فراموش می کنند در چنین مواردی باید امر به معروف تاکیدی داشته باشیم تا گنهکار را در ارتباط با تذکر خود جدی گردانیم .

چگونه بگوییم ؟

مثلا سخن خود را به جای یک بار ، دوبار یا سه بار بیان کنیم و یا از کلماتی نظیر حتما مراعات کنید ، همواره به یاد داشته باشید جدی بگیرید وامثال آن بهره گیریم .

نمونه عملی

ام خالد از شیعیان متعهد و صالح زمان امام صادق (ع) بود روزی بر آن حضرت وارد شد و عرض کرد : فدایت شوم من به بیماری معده مبتلا شده ام و اطبای عراقی شراب و آرد گندم را بر من توصیه کرده اند تا خود را به آن مداوا نمایم .

امام صادق (ع) فرمود : چه چیز تو را از آشامیدن آن منع میکند ؟ ام خالد عرض کرد : اطاعت از شما .

امام (ع) فرمود : یک قطره ی از آن را نچش نه والله اجازه نوشیدن یک قطره از را نمی دهم اگر خوردی به هنگام مرگ پشیمان خواهی شد آنگاه سه مرتبه فرمود : فهمیدی ؟ و ام خالد عرض کرد بله (۵)

۴- امر به معروف اعتراضی

در تذکر اعتراضی به جای امر و نهی به گنهکاران به او اعتراض می شود و اگر این اعتراض بصورت صحیح و به موقع انجام گیرد تاثیر خوبی در محاطب خواهد داشت .

چگونه بگوییم ؟

مثلا به کسی که ظلم می کند بگوییم : تو که می دانی ظلم گناه بزرگی است چرا ظلم می کنی ؟ و یا به کسی که کم فروشی می کند بگوییم : مگر نمی دانی که خداوند در قرآن فرموده است : وای بر کم فروشان (۶) ، و وای خداوند بسیار سخت و درد آور است پس چرا کم فروشی می کنی ؟ و یا به زنی که بخاطر جلوه گیری در جامعه مورد یاهه گویی قرار می گیرد بگوییم : اگر با این وضعیت حرام بیرون نمی آمدی مورد هتک حرمت قرار نمی گرفتی .

و یا به شیعه ای که آشکارا در جامعه گناه می کند بگوییم امام صادق (ع) فرمود : زینت ما باشید مایه ی ننگ ما نباشید (۷) شما به این گناه علنی موجب ننگ امام (ع) نشدی ؟ اینگونه زینت امام صادق (ع) می شوی ؟

نمونه عملی

یکی از ارادتمندان امام خمینی میگوید : یک بار در جماران به محضر ایشان رسیدم ، یکی از مسئولین مملکتی برای انجام کارهای جاری به خدمت امام رسید و پدرسالخورده اش نیز همراه او بود وقتی خواست به حضور امام برسد جلوتر از پدر حرکت کرد و پس از تشریف به خدمت امام ، پدرش را معرفی کرد . امام هم نگاهی به آن مسئول کرد و فرمود : این آقا پدر شما هستند ؟

عرض کرد : آری

امام خمینی فرمود : پس چرا جلوی او راه افتادی و وارد شدی ؟ (۸)

۵- امر به معروف تاییدی

در امر و نهی تاییدی خوبی های گنهکارمورد تایید قرار می گیرد و آنگاه امر و نهی می شود. ظرافت شیوه ی تاییدی در آن است که با تایید که انجام می گیرد مخاطب به تذکر دهنده خوش بین می گردد و به انصاف او که خوبی هایش را نادیده نمی گیرد اطمینان پیدا می کند و با این دو ویژگی جایی برای سوء تفاهم و ذهنیت های منفی برای او باقی نمی ماند و اینها زمینه های بسیار خوبی است که او را تسلیم تذکر می کند این شیوه برای همه مفید است اما برای کسانی که ذهنیت های منفی داشته و یا از تایید دیگران رضایت خاطر زیادی پیدا می کنند مفید تر است البته نباید در تایید افراد زیاده روی شود و سخنان غیر واقعی به میان آید.

چگونه بگوییم ؟

مثلا به دانش آموز متدینی که به وظایف درسی خود عمل نمی کند بگوییم : شما دانش متدینی هستی این ارزش بسیار بزرگی است که خدا نصیب شما کرده اما درس خواندن شما خوب نیست و باید تلاش بیشتری داشته باشی و یا به مداحی که با صدای خوب مداحی ضعیف و یا غلوآمیز می کند بگوییم : صوت شما برای مداحی خوب است و این نعمت بزرگی است که خداوند به شما داده است اما محتوای مداحی شما خوب نیست و باید از اشعار خوب ، وقایع مستند و مطالب صحیح و سازنده استفاده کنید و یا به کاسبی که نظم و نظافت رادر محل کسب خود مراعات می کند اما گرانفروشی می کند بگوییم : نظم و نظافت شما در مغازه دوست داشتنی و قابل تقدیر است اما گرانفروشی شما مردم را ناراحت کرده است اگر این عیب هم رفع شود فروشنده ی نمونه ای خواهید بود .

نمونه عملی

خانمی با چادر مشکی در خیابان عبور می کرد که نه تنها هنر جادر پوشدن را خوب می دانست که بر حجاب خود مسلط بود و از نامحرم رو گرفته بود اما این اشتباه را هم داشت که جوراب های نازک پوشیده بود به او گفتم شما حجاب خوبی دارید و قابل تقدیر است اما این جوراب های نازک نه در شان شماست و نه تناسبی با حجاب خوب شما دارد و او هم از تذکر استقبال کرد.

۶- امر به معروف تعلیلی

روحیه برخی گنهکاران به گونه ای است که اگر فلسفه و علت معروف و منکری که به آنها گوشزد می شود را بشنوند پذیرش بیشتری خواهند داشت از این رو به دنبال امر و نهی دینی به علت آن هم اشاره می کنیم و به چنین امر به معروفی امر به معروف تعلیلی گوییم .

چگونه بگوییم ؟

مثلا به کسانی که به راحتی از دیگران درخواست می کنند بگوییم : از دیگران درخواست نکن زیرا درخواست از دیگران موجب ذلت است بویژه اگر به درخواست تو پاسخ مثبت ندهند یا به کسی که زیاد می خندد بگوییم : خنده یدل رامی میراند.

پیامبر (ص) فرمود :

ایاک و کثره الضحک فانه یمیت القلب و یذهب بنور الوجه (۹)

از خنده زیاد پرهیز زیرا خنده زیاد دل را می میراند و نور چهره را می برد.

یا به کسی که پر خواب است بگوییم : کمتر بخواب پیامبر (ص) فرمود :

از پر خوابی پرهیزید زیرا خواب زیاد صاحبش را در روز قیامت فقیر می کند. (۱۰)

نمونه عملی :

صفوان جمال گوید : بر امام کاظم (ع) وارد شدم ، حضرت فرمود : ای صفوان همه کارهای تو خوب است جز یک کار . عرض کردم : فدایت شوم چه کاری ؟ حضرت فرمود : این که شترهایت را به این مرد (هارون الرشید) کرایه می دهی .

عرض کردم : به خدا سوگند برای کار بیهوده و سفر حرام کرایه نداده ام بلکه برای سفر حج کرایه داده ام ضمن اینکه خودم در این سفر شرکت ندارم بلکه غلامان خود را می فرستم تا سرپرستی کنند .

امام (ع) فرمود : ای صفوان تو شترهای خود را کرایه داده ای ؟ عرض کردم : آری فرمود : آیا می خواهی هارون در دستگاه خود باقی بماند تا کرایه ی تو را بدهد ؟

عرض کردم : آری ، فرمود : هر کس که بخواهد آنها باقی بمانند از آنهاست و هر کس که از آنها باشد در

آتش جهنم است (۱۱)

۷- امر به معروف اخطاری

اعلام خطر از مسائلی است که توجه انسان ها را به خود جلب می کند و امر و نهی اخطاری تذکری است که گنهکار را متوجه خطر اعمال حرام و ترک واجب می کند برخی از موقعیت ها اقتضاء دارد که تذکر دهنده مانند پلیس راهنمایی که تابلوهای خطر رانندگی را در نقاط خطر ناک نصب می کند تابلوی خطر فرهنگی را جلوی دید گنهکار ترسیم کند و با اعلام خطر خود گنهکار را تحت تاثیر قرار دهد .

چگونه بگوییم ؟

مثلا به کسی که در خانه بداخلاقی می کند بگوییم :انسان بداخلاق شب اول قبر سختی را در پیش رو دارد .
یا به کسی که پدر و مادر خود را می آزارد بگوییم :آثار عاق والدین در دنیا هم گریبانگیر انسان می شود .
یا به کسی که هر گناهی را مرتکب می گردد بگوییم : هر چه می خواهی می کنی اما بدان که باید همه کارهای کوچک و بزرگ ناروای خود را در محضر خداوند پاسخگوباشی .

نمونه عملی

در مدینه دلکی بود که مردم را می خندانید او تلاش بسیار داشت تا امام سجاد را بخنداند اما موفق نمی شد تا اینکه یک بار گفت : این مرد مرا خسته کرده است که بتوانم او را بخندانم .
روزی امام (ع) با غلامان خود حرکت می کرد مرد دلکک که چشمش به او افتاد تصمیم گرفت با یک حرکت خنده آور امام را بخنداند جلو آمد و عبای آن حضرت را از دوش او برداشت و رفت امام (ع) به او اعتنایی نکرد غلامان او به دنبال مرد دلکک رفته و عبا را از او پس گرفتند و بر دوش حضرت گذاشتند .
امام (ع) پرسید: این مرد چه کسی است ؟ همراهان عرض کردن : او مردی مسخره و دلکک است که اهل مدینه را می خنداند.

امام سجاد (ع) فرمود: به او بگویید :

ان لله یوما یخسر فیہ المبتلون (۱۲)

برای خداوند روزی است که در آن بیهوده کاران خسارت می بینند.

۸- امر به معروف انتفاعی

انسان همواره به منابع خود می اندیشید و دوست دارد برای انجام کار و یا ترک هرکاری نفعی به او برسد و یا ضرری از او دور گردد از این رو اگر بداند امری که به او می شود دارای منابع مصالحتی بوده از کارش زیانی را از او دور می سازد استقبال بیشتری از تذکر خواهد داشت بنابراین ذکر آثار مثبت و منفی از کارهای خوب و بد که مورد تذکر قرار می گیرد مفید است و چنین امر به معروفی را امر به معروف انتفاعی می نامیم .

چگونه بگوییم ؟

مثلا کسی که به نماز جماعت اهمیت نمی دهد بگوییم : بر نماز جماعت مواظبت داشته باش که ثواب بسیار زیادی دارد پیامبر اعظم (ص) فرمود: کسی که پشت سر عالمی نماز گزارد مثل این است که پشت سر رسول خدا (ص) نماز گزارده است. (۱۳)

یا بگوییم: اگر به گناه خود ادامه دهی اعتبار خانوادگی شما خدشه دار می شود. یا بگوییم: اگر با قیافه گنهکاران در جامعه ظاهر شوی مردم ذهنیت بدی از تو پیدا می کنند و چنانچه روزی نیازمند تحقیقات محلی باشد معرفی مثبتی از تو نخواهند داشت. یا بگوییم: بسیاری از کسانی که مثل تو مرتکب این خلاف شده اند محکومیت قضایی پیدا کرده اند و این محکومیت موجب محرومیت های زیادی برای آنها شده است پس برای دنیای خود هم که شده است این گناه را ترک کن . یا بگوییم: به پدر و مادر خود نیکی کن که خیر و برکت زیادی را برای تو خواهد داشت . یا به کسی که گرفتار فحشا و منکراست بگوییم: نماز بخوان تا تورا از فحشاء و منکر باز دارد

نمونه عملی

رسول خدا (ص) به مردی فرمود: موهای خود را کوتاه کن زیرا کوتاهی موها بر زیبای تو می افزاید . علامه طباطبایی می گوید: چون به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم از نقطه نظر قرابت خویشاوندی گاه گاهی به محضر مرحوم قاضی شرفیاب می شدم تا یک روز در مدرسه ای ایستاده بودم که مرحوم قاضی از آنجا عبور می کرد ند چون به مدرسه رسیدند دست خود را روی شانه ی من گذاردند و گفتند «ای فرزند دنیا می خواهی نماز شب بخوان و آخرت می خواهی نماز شب بخوان!» (۱۴)

۹- امر به معروف تحریمی

امر و نهی تحریمی آن است که تذکر دهنده با استفاده از تحریک عواطف و ارزشهای مورد قبول و تعصبات سالم گنهکار، او را امر به معروف و نهی از منکر کند.

چگونه بگوییم؟

مثلاً به کسی که متدین نیست و بر خلاف جوانمردی و آزرده‌گی کارهایی نظیر نیرنگ به دیگران، حق کشی، آزار به ضعیفان، تجاوز به دیگران، فریبکاری، بر باد دادن آبروی دیگران و امثال این گناهان انجام می‌دهد بگوییم: اگر به دین خدا پایبند نیستی جوانمرد و آزاده باش و از این گناه خود دست بردار. نظیر این نهی از منکر را حضرت سید الشهداء علیه السلام در کربلا انجام داد و به دشمنان خود که ارتباط او و خیمه‌هایش را قطع کردند فرمود: وای بر شما ای پیروان آل ابوسفیان! اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌رسید، در دنیای خود آزاد مرد باشید و به مردانگی و نسب خود بازگردید اگر از قوم عرب هستید.

شمر با صدای بلند گفت: چه می‌گویی ای پسر فاطمه؟

امام علیه السلام فرمود: می‌گویم: این من هستم که با شما می‌جنگم و شما هم با من می‌جنگید، زنانکه گناهی ندارد، پس تا زمانی که من زنده ام متکبران و متجاوزان لشکر خود را از تعریض به خیمه‌های من باز دارید. (۱۵)

و یا به زنانی که تقوای در پوشش ندارند ولی نجابت به عنوان یک اصل مهم اخلاقی در پیش آنها جایگاه رفیعی دارد بگوییم: یک زن نجیب با این سرو وضع نزد نامحرم و یا در جامعه حاضر نمی‌شود.

و یا به کسی که بدون عقد شرعی ارتباط با نامحرم پیدا کرده است و به غیرت نگا مثبتی دارد بگوییم: اگر دوست داری مردان اجنبی با نوامیس تو ارتباط داشته باشند با ناموس مردم ارتباط داشته باش.

و یا به کسی که مال یتیم را می‌خورد بگوییم: اگر تقدیر خداوند این باش که فرزندان تو یتیم شوند دوست داری کسی مال آنها را بخورد؟

نمونه عملی

ابراهیم بن مهزم گوید: یک شب با مادرم (خالده) بگو مگو کردم و نسبت به او خشونت ورزیدم صبح آن شب نماز خواندم و به محضر امام صادق علیه السلام رسیدم. همین که بر او وارد شدم فرمود: ای ابامهزم! تو

را با مادرت چه کار که شب گذشته با او درشتی کردی ! آیا نمی دانی که شکم مادرت منزلی بود که در آن سکونت کردی و دامان او گهواره ای بود که در آن آرام گرفتی و سینه های او ظرفی رود که از آن نوشیدی؟

ابامهزم پاسخ داد : آری

امام صادق علیه السلام فرمود : پس با او درشتی نکن! (۱۶)

۱۰ - امر به معروف استحيایی

امر به معروفی که سبب شرم و حیا گنهکار گردد و امر به معروف استحيایی نامیم این شیوه ی تذکر در برخی افراد بهتر به ثمر می رسد و اگر شرایط آن وجود داشته باشد می توان در ارتباط با برخی گنهکاران از آن بهره گرفت البته از انجایی که این شیوه ی تذکر موجب خجالت و شرمندگی فرد می گردد باید با کارشناسی لازم انجام گیرد تا شرمندگی او سازنده بوده و اثر معکوسی را به همراه نداشته باشد .

چگونه بگوییم ؟

باید به گونه ای بگوییم که گنهکار شرمنده شود و این نیازمند استفاده از موجبات شرمندگی است که به مواردی از آن اشاره می کنیم :

۱- بیان اشتراک با گنهکاران مشهور : مثلاً به کسی که معصومین علیهم السلام، و یا متدینین را مسخره می کند بگوییم پیش از این ابوجهل هم پیامبر واصحابش را مسخره می کرد مراقب باش با او وجه اشتراک پیدا کنی. در اینجا نهی از تمسخر که در او تاثیری ندارد به نهی از وجه اشتراک با گنهکاران مشهور مبدل شده است .

۲- بین زیان رسانی گناه به دیگران : برخی گناهکاران موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری می شود که اگر گنهکار به آن زیان آگاه گردد شرمندگی سازنده ای به او دست خواهد داد.

روزی در مجلس عارف گرانقدر ، مرحوم حاج میرزا جواد ملکی تبریزی یکی از حضار غیبت کرده بود ، آن بزرگوار بسیار ناراحت شده و خطاب به غیبت کننده فرموده بود : چهل روز مرا به زحمت انداختی . (۱۷)

۳- پرسش سازنده ای از علت گناه : پرسش کارشناسانه و سازنده از ریشه گناه می تواند موجب تنبه شرمندگی سازنده ی گنهکار گردد این پرسش بسیار مهم است و نباید به حریم خصوصی دیگران مربوط شود و یا حرمت کسی را خدشه دار کند پرسش باید به گونه ای طرح شود که گنهکار به ریشه گناه خود که هوای نفس یا شیطان است اشاره کند و ما به دنبال علتی غیر از این دو نباشیم . این شیوه ، گنهکار را متوجه ریشه ی اعمال خود کرده و گرفتاری او در دام هوس و شیطان را به او تفهیم می کند و این زمینه خوبی برای اصلاح است .

نمونه عملی

مرد ثروتمندی با لباس پاکیزه ای به محضر رسول خدا (ص) آمد و نزدیک او نشست آنگاه مرد تنگدستی با جامه های چرکین وارد شد. کنار مرد ثروتمند نشست به گونه ای که قسمتی از جامه هایش زیر پای او قرار گرفت مرد ثروتمند لباس هایش را از زیر پای او کشید.

رسول خدا (ص) که شاهد این رفتار بود رو به او کرد و فرمود: ترسیدی چیزی از فقر او به تو بچسبد؟

عرض کرد: نه

حضرت فرمود: ترسیدی که لباسهایت کثیف شود؟

عرض کرد: نه

پیامبر (ص) پرسید؟ پس چه سببی تورا به این کار واداشت؟

مرد ثروتمند عرض کرد: یا رسول الله! من همدمی (شیطانی) دارم که هر کار زشتی را در نظرم زینت می

دهد و هر کار خوبی را زشت جلوه می دهد من به خاطر این کار زشت خود نیمی از مالم را به او می دهم.

حضرت به آن مرد تنگدست فرمود: نصف مال او را می پذیری؟

عرض کرد: نه

مرد ثروتمند پرسید چرا نمی پذیری؟

مرد فقیر پاسخ داد: زیرا می ترسم آنچه در دل تو آمده است در دل من وارد شود. (۱۸) (فقرا را ناچیز شمارم)

۱۱- امر به معروف قرآنی

قرآن کتاب آسمانی ما مسلمانان است و برتر از آن کتابی وجود ندارد و هیچ کتابی به پایه ی آن نمی رسد از این رو تاثیر قابل توجهی در دل های مسلمانان دارد و تذکر دهندگان باید از این تاثیر گذاری بهره گیری کنند و ما بهره گیری از آیات قرآن در امر به معروف و نهی از منکر را امر و نهی قرآنی می نامیم .

چگونه بگوییم؟

راهکار آن این است که متناسب با گناه فرد آیه ای را از قرآن کریم انتخاب کنیم و با ذکر سوره و شماره آیه ی آن را برای مخاطب خود بخوانیم و ترجمه کنیم و یا تنها ترجمه ی آن را بخوانیم مثلاً به کسی که غیبت می کند بگوییم: قرآن می فرماید:

ولا یغتب بعضکم بعضاً

برخی از شما غیبت بعضی دیگر را نکنید (۱۹)

و یا به مردی که به زنان نامحرم نگاه می کند بگوییم: قرآن می فرماید:

قل للمومنین یغضوا من ابصارهم (۲۰)

به مومنان بگو چشمهای خود را فرو بندند.

و به زنی که به مردها نگاه می کند بگوییم: قرآن می فرماید:

قل للمومنات یغضن من ابصارهن. (۲۱)

به زنان مومن بگو چشمهای خود را فرو بندند.

و یا با کسانی که با مردم بد سخن می گویند بگوییم: قرآن می فرماید:

و قولوا للناس حسناً. (۲۲)

با زبان خوب با مردم سخن بگویید.

و یا به زنی که با آرایش و جلوه گری در جامعه آمده است بگوییم: قرآن می فرماید:

و قرن فی بیوتکن و لاتبرجن تبرج الجاهلیه الاولى (۲۳)

در خانه های خود باشید و مانند جاهلیت پیشین آرایش و خودنمایی نکنید.

و اگر پوشش دینی را مراعات نکرده است بگوییم: قرآن می فرماید:

و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن. (۲۴)

زنان باید با سرانداز خود سر و گردن و سینه خویش را بپوشانند.

و اگر زینتهای خود را آشکار کرده است بگوییم: قرآن می فرماید:

و لا یبدین زینتهن. (۲۵)

زنان زینتهای خود را آشکار نکنند.

نمونه عملی

وقتی عمرولیث به نیشابور آمد لشکریان او در خانه های مردم وارد شدند و کار را بر مردم شهر تنگ گرفتند و در آن هنگام زنی نزد او رفت و زبان به شکوه گشود و گفت زنی بیوه ام، چهار فرزند کوچک دارم، خانه هایم را لشکریان تو گرفتند و من با بچه های خود بی سرپناه مانده ام و به خواری و رسوایی افتاده ایم اگر حکم کنی یکی از خانه های ما را برگردانند از عدل و احسان تو بعید نخواهد بود.

عمرو خشمگین شد و گفت: لشکریان من از سیستان به دنبال خود خانه ای نیاورده اند که در آن ساکن شوند و مگر تو قرآن نخوانده ای که خدا می فرماید:

ان الملوک اذا دخلوا قریه افسدوها و جعلوا اعزه اهلها اذلة. (۲۶)

پادشاهان هر گاه به قریه ای وارد شوند آن را خراب می کنند و عزیزان آن را به ذلت می کشانند.

زن گفت: ای پادشاه مگر چند آیه بعد از آن را فراموش کرده ای که درباره ستمکاران و خانه های آنها می فرماید: فتلک بیوتهم خاویه بما ظلموا. (۲۷)

اینها خانه های آنهاست که چون ستم کردند ویران شد.

عمرولیث از شنیدن این آیه چنان متأثر شد که اشک از چشمش جاری گردید و فوراً حکم کرد که تمام لشکر از شهر بیرون روند و در صحرا خیمه زنند. (۲۸)

۱۲ - امر به معروف حدیثی

امر به معروف در قالب یک حدیث متناسب با عمل مورد نظر گنهکار را امر به معروف حدیثی می نامیم . مردم علاقه و تاثیر پذیری خاصی نسبت به احادیث معصومین (ع) دارند ضمن این که برخی تذکر دهندگان امر و نهی خود را در قالب یک حدیث بهتر و گویاتر بیان می کنند در این صورت می توان حدیثی را در باره معروف یا منکر مورد نظر انتخاب کرده و برای او بخوانیم .

چگونه بگوییم؟

مثلاً به کسی که خود را شبیه غرب ها و یا هر گروه دیگری می کند بگوییم.

رسول خدا (ص) فرمود :

من تشبه بقوم فهو منهم (۲۹)

کسی که خود را شبیه گروهی گرداند از آنها خواهد بود.

و یا به کسی که به علمای دین توهین میکند بگوییم : ولی پیامبر (ص) فرمود :

کسی که عالمی را زیارت کند مثل این است که مرا زیارت کرده است و کسی که با عالمی دست دهد مثل

این است که با من دست داده است. (۳۰)

یا به کسی که با زنی خلوت می کند نظیر آنچه در دفاتر ، ادارات ، منازل و امثال آن که یک زن و مرد با هم

تنها هستند بگوییم: پیامبر (ص) فرمود: لایخلون رجل بامرأه فان ثالثهما شیطان. (۳۱)

مردی با زنی خلوت نکند که سومی آنها شیطان خواهد بود.

و یا به کسی که از دست دادن با نامحرم و لمس بدن او ابایی ندارد بگوییم: رسول خدا (ص) فرمود :

اگر یک سوزن آهنی در سر هر یک از شما فرود رود برای او بهتر است که بدن زنی را لمس کند که برای

او حلال نیست. (۳۲)

نمونه عملی

هارون بن جهم گوید : ما در شهر حیره با امام صادق (ع) همراه بودیم که بر منصور دوانیقی وارد شدیم یکی

از مقام های لشکری به مناسبتی غذایی آماده کرده بود و مردم را به آن دعوت کرد و امام (ع) نیز از جمله

دعوت شدگان بود.

سفره را پهن کردند و همه مشغول خوردن غذا شدند آن حضرت نیز مشغول غذا خوردن شد در این میان مردی درخواست آب کرد ، اما به جای آب ظرفی شراب برای او آوردند وقتی ظرف شراب در دست او قرار گرفت ، آن حضرت هم از سفره بلند شد .

از او پرسیدند :: چرا بلند شدید ؟ حضرت فرمود:

ملعون من جلس علی مائه یشرب علیها الخمر^{۳۳}

مورد لعنت است کسی که بر سر سفره ای بنشیند که بر سر آن شراب نوشیده می شود .

۱۳ - امر به معروف فتوایی

روحیه گنهکاران با یکدیگر تفاوت دارد و باید این تفاوت ها مورد توجه قرار گیرد اما ذوق و توانایی تذکر دهندگان هم متفاوت است و هر تذکر دهنده ای باید با توجه به توان و روحیه خود تذکر دهد. عده ای هستند که ذکر یک فتوا از مراجع تقلید در آنها تاثیر خوبی می گذارد و یا آیا امر به معروف با بیان یک فتوا بهتر و آسان تر از شیوه های دیگر می تواند به وظیفه امر و نهی دینی خود عمل کند در چنین مواردی می توانیم فتوایی را در ارتباط با عمل گنهکاران بیان کنیم .

چگونه بگوییم ؟

مثلاً به مردی که خود را به طلا زینت می کند بگوییم : فقهاء فرموده اند : زینت کردن به طلا مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل است . (۳۴)

و یا به کسی که ریش خود را می تراشد و چهره ی خود را عریان می کند بگوییم : امام خمینی می فرماید : ریش تراشیدن برای مرد حرام است علی الاحوط . (۳۵) و یا به کسی که مرتکب تراشیدن ریش دیگران می شود و اجرت می گیرد و با آن پول معاملات حرامی برای نیازهای زندگی خود می کند بگوییم : امام خمینی می فرماید :

با اجرت ریش تراشی علی الاحوط معامله پول حرام می شود (۳۶)

و یا به کسی که به عنوان یک کار هنری یا تجاری عروسک سازی می کند بگوییم : امام خمینی می فرماید : ساختن عروسک جایز نیست . (۳۷)

نمونه عملی

کامیوننداری بود که خمس کامیون خود را به عنوان سرمایه و ابزار کار پرداخت نکرده بود و با استفاده از آن در آمد کسب می کرد عالمی که با او ارتباط داشت به او گفت : فتوای فقها این است که نمی شود از مالی که خمس آن واجب شده است استفاده کرد او هم کامیون خود را متوقف کرد و با مراجعه به دفتر مرجع تقلید خود خمس کامیون را محاسبه کرد و آنگاه استفاده از کامیون را در حمل بار و کسب درآمد آغاز کرد .

۱۴- امر به معروف منظوم

عده ای از تذکر دهندگان بر بیان امر و نهی منظوم تسلط بیشتری دارند و یا مخاطب آنها نسبت به شعر تاثیر پذیری بیشتری دارد در چنین مواردی می توان از شعری که امر به معروف و نهی از منکر را به شکل موثری عملی می سازد بهره گرفت .

مثلا به کسی که به لباس خود می ورزد یا لباسش را نشانه تعالی و ارزش می داند و یا پوشاندن آن موجب جلب توجه نامحرم می شود می گوییم :

تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

یا به کسی که غریزه شده است این شعراقبال لاهوری را بگوییم

ای ز افسون فرنگی بی خبر از فریب او اگر خواهی امان

فته ها در آستین او نگر اشترانش را ز حوض خود بران

یا به کسی که گرفتار اعتقاد به جبر شده است و حتی در ارتکاب گناهانش خود را مقصر نمی داند بگوییم :

ای که گویی ای کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم

و یا به کسی که با فریبکاری به خواسته های خود دست می یابد بگوییم :

گیرم که خلق را به فریبت فریفتی بادست انتقام طبیعت چه می کنی

و یا به کسی که با استناد به خطاهای مسلمانان و مسئولان دین اسلام را مورد خرده گیری و بی مهری قرار می دهند بگوییم :

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانانی ماست

۱۵ - امر به معروف ادبی

گاهی یک جمله ادبی کوتاه بهتر از هر گفتار دیگری می تواند مقصود از امر به معروف ونهی دینی را به صورت موثری برساند بویژه اگر مخاطب علاقمند به جمله های لطیف و ظریف بوده و یا تذکر دهنده به انجام این شیوه امر به معروف موفق تر باشد و بتواند جمله مورد نظر خود را با رعایت کارشناسی لازم خطاب به گنهکار بیان کند .

چگونه بگوییم ؟

مثلا به زنی که بصورت زننده و مبتذلی بیرون آمده است بگوییم :

زن بر سر این دوراهی است که خلیفه خدا شود و یا عروس شیطان گردد و یا به کسی که در شنیدن ، دیدن و یا گفتن بی حیایی می کند بگوییم : اگر کبوتر سفید حیا از آسمان جان پرواز کند جغدهای گناه او را آلوده خواهند کرد .

و یا به دختر و پسری که بدون عقد شرعی یکدیگر را به دوستی گرفته اند بگوییم : دوستی دختر و پسر آغازی شیرین و پایانی تلخ ناگوار دارد .

نمونه عملی

زنی را دیدم که ظاهر خویش به کناه آلوده کرده بود وهمی به خود می بالید . گفتمش خرقه ی گناه بر تن کرده ای وتقوای ظاهر مسلمانی بر باد داده ای ؟ گفتا چون قلبم پاک باشد مرا باکی نیست گفتمش از کوزه همان برون تراود که در اوست با شنیدن این سخن خموش گردید وسکوت رضایت در چهره اش همی آشکار گردید واین بی بضاعت را در سرور هدایتش فرو برد. (۳۸)

۱۶- امر به معروف داستانی

امربه معروف داستانی آن است که تذکر دهنده امر و نهی خود را به صورت یک داستان متناسب با کار گنهکار بیان کند به گونه ای که بفهمد مراد از نقل این داستان تذکر به اوست . داستان همواره مورد توجه انسان ها بوده واز لطافت تاثیر گذاری خاصی برخوردار است .همه ی انسان ها به همه سلایقی که دارند به داستان علاقمندند و اگر تذکر دهنده بتواند با موفقیت داستان سازنده ای را نقل کند چه بسا بتواند تحولی را در دل او بوجود آورد .

چگونه بگوییم ؟

باید با ذوق و مدیریت لازم زمینه ی داستان را فراهم کنیم و به صورت آموزشی آن را بیان نماییم البته لازم نیست داستان را خطاب به او بین کنیم بلکه می توانیم در یک جمعی که فرد مورد نظر ما در آن حضور دارد به نقل داستان پردازیم و یا خطاب به فرد خاصی که در حضور گنهکار است آن را نقل کنیم و ما در اینجا به نقل یک داستان که به قسم دروغ مربوط می شود می پردازیم

رسول خدا (ص) بردو مردی گذر کرد که در حال خرید و فروش گوسفندی بودند و هر دو قسم یاد می کردند، یکی می گفت : به خدا قسم کمتر از این قیمت نمی فروشم و دیگری می گفت به خدا قسم بیش از این قیمت به تو نخواهم داد تا اینکه بالاخره مشتری گوسفند را خریداری کرد حضرت فرمود :

یکی از شما دونفر گناه کرد و باید کفاره ی شکستن قسم خود را پردازد (۳۹)

۱۷- امر به معروف خواندنی

کسانی که در هنگام امر به معروف سررشته‌ی سخن از دستشان بیرون می‌رود و یا در سخن گفتن به لکنت زبان افتاده و یا دست کم قدرت بیان را از دست می‌دهند می‌توانند تذکر خود را نوشته و هنگام امر و نهی از روی آن بخوانند حتی اگر تذکر دهنده نتواند نوشته خود را با خطاب مستقیم به گنهکار بخواند با خطاب به فردی دیگری که در نزد گنهکار حضور دارد و یا بدون خطاب، بصورت مطالعه برای خود قرائت کند تا او هم بشنود. و در این شیوه و شیوه‌های دیگری که در این کتاب بیان شده است باید تذکر دهنده به گنهکار بفهماند که منظور او امر و نهی دینی می‌باشد در غیر این صورت واجب انجام نگرفته است البته می‌توان نوشته را به صورت مناسبی در اختیار فرد مورد نظر قرار داد تا خود از روی آن بخواند و این امر به معروف مکتوب خواهد بود که از موضوع بحث این کتاب خارج است.

چگونه بگوییم؟

شیوه اجرا اینگونه است که آیه یا روایت، شعر یا داستان؟ قطعه ادبی یا تاریخی و هر جمله دیگری که برای تذکر به گنهکار است را با زمینه‌سازی مناسب خطاب به او بخوانیم و اگر خطاب مستقیم ممکن نیست به بهانه‌ای که اقتضاء دارد نزد او بخوانیم.

مثلاً همینگونه که در پیاده رو حرکت می‌کنیم می‌توانیم خود را به فرد مورد نظر نزدیک کنیم و به صورتی که بفهمد به او تذکر می‌دهیم متن خود را بخوانیم.

برخی از گناهان، رایج گسترده است و ما می‌توانیم متنی را برای آن همراه داشته باشیم و همواره تذکر نوشتاری خود را برای گنهکاران بخوانیم و تجربه‌ی ماهم در این صورت زیاد خواهد شد و اجرای تذکر هم به گونه‌ای است که غالباً کسی نمی‌تواند متعرض ما شود زیرا خطاب مستقیم نداریم.

۱۸- امر به معروف سوالی

امر به معروف سوالی آن است که امر و نهی خود را به صورت سوالی بیان کنیم به گونه ای که انجام واجب یا ترک گناه از سوال ما معلوم گردد امر به معروف به شیوه سوالی از ظرافت های خاص و امتیازهای قابل توجهی برخوردار است که به آن اشاره می کنیم:

(۱) غیر مستقیم بودن تذکر

روحیه برخی از گنهکاران به گونه ای است که امر و نهی صریح را نمی پذیرد و یا در برابر آن ایستادگی کرده و چه بسا به بدگویی، جوسازی و تهنییب امر و نهی و امر کننده به معروف رو آوردند اما در برابر امر به معروف سوالی به نوع خلع سلاح شده و احتمال تاثیر در آنها افزایش می یابد طبیعی است که تذکره آنها با شیوه سوالی انجام گیرد نظیر اینکه بگوییم: وقت آن نرسیده است که در ادامه گناه خود تجدید نظر کنی؟

قرآن هم چنین سوالی را به صورت کلی بیان کرده است خداوند در سوره حدید آیه ۱۶ می فرماید: الم یان للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله وما نزل من الحق (۴۰)

آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مومنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده است خاشع شود؟

(۲) توجه گنهکار به پاسخ سوال

عده ای از گناه بودن خود غافلند و چه بسا تذکر عادی تاثیر چندانی در آنها نداشته باشد از این رو سوال از آنها دغدغه خاطرشان را جدی تر کرده و بهم ریختگی بیشتری را در روال عادی گناه آنها پدید می آورد و آنان را به این فکروامی دارد که عمل خود را مورد نقد و بررسی قرار دهند و البته این امتیاز بزرگی است که گنهکار را به اندیشه واداریم. اندیشه ای که سبب بیداری، آگاهی و تحقیق او می گردد.

سوال از عمل گنهکار چیزی نیست که به زودی از صفحه ی ذهن او پاک شود بویژه اگر با آداب لازم از او سوال شود البته همه افراد ویا همه ی گناهان شرایط تذکر سوالی را ندارند اما در بسیاری از موارد می توانیم با این شیوه تذکر دهیم و ذهن او را درگیر سازیم.

(۳) نفی عمدی بودن گناه

در شیوه تذکر سوالی نسبت عمدی بودن گناه کاهش می یابد در امر و نهی مستقیم و صریح نسبت گناه به فردی که به او تذکر می دهیم قطعی است و این نسبت در برخی موارد موجب تحریک و موضع گیری گنهکار می گردد و چه بسا امر و نهی دینی را با بی تاثیری و یا کم تاثیری مواجه سازد اما وقتی از او سوال

شود که «آیا می دانید این عمل شما گناه است؟» این نسبت بسیار ضعیف می شود و حساسیت فرد مقابل بر طرف می گردد .

چگونه طرح سوال کنیم ؟

سوال باید از ابعاد مختلفی کارشناسی شده باشد و جهت دینی ، روانشناختی ، اجتماعی ادبی آن مورد توجه قرار گیرد تا آثار سازنده ای را در گنجهکار پدید آورد .

نمونه ی سوالات

آیا می دانید این کار شما حرام است و اسلام از آن نهی کرده است ؟

آیا می دانید این کار واجب است و شما آنرا انجام نمی دهید ؟

فکر نمی کنید این کار در اسلام حرام باشد ؟

فکر نمی کنید انجام این کار واجب باشد و شما آن را ترک کرده اید ؟

به حرام بودن این کار خود اندیشیده اید ؟

به واجب بودن این کار که آن را ترک کرده اید اندیشیده اید ؟

شما می دانید دروغ از گناهان بزرگ است ؟

شما می دانید چهره ی آرایش شده ی زن باید از دیدن نامحرم پوشیده بماند ؟

شما می دانید حجاب از احکام مسلم و واجب اسلام است ؟

می دانید با این گناه نام شما در طومار گنجهکاران ثبت می شود ؟

وقت آن نرسیده است که به بی نمازی یا بی حجابی خود پایان بخشی ؟ چه تضمینی وجود دارد که فردا زنده باشی ؟

آنچه تا بحال گناه کردی کافی نبوده است باز هم با خداوند قصد مخالفت داری ؟

تاریخی برای ترک مخالفت با خدا تعیین کرده ای ؟

نمونه عملی

روزی امام حسن (ع) از محلی می گذشت ، چشمش به مردی افتاد که قهقهه می زند نزد او رفت و فرمود : آیا می دانی که در روز قیامت وارد آتش می شوی ؟ (۴۱) پاسخ داد: پاسخ داد آری .

حضرت فرمود: آیا می دانی که از افرادی هستی که از آن خارج می شوی ؟ جواب داد: نه مطمئن نیستم .

امام حسن (ع) فرمود : تو که نمی دانی حتما از جهنم خارج خواهی شد چگونه قهقهه می زنی ؟ (۴۲)

۱۹- امر به معروف اندازی

ترس همواره از عوامل کنترل انسان بشمار آمده است از این رو ترس از خدا، ترس از روز قیامت، ترس از بد عاقبتی، ترس از عذاب قبر، ترس از مجازات های قضایی، ترس از گرفتاری و از دست دادن منافع و اعتبارهای مختلف دنیوی و آخرتی و امثال آن ذهن انسان ها را در طول تاریخ حیات خود مشغول ساخته و از عوامل مهم تعدیل او بشمار می رود. یکی از عوامل موثر در امر و نهی دینی نیز ترساندن گنهکاران از خداوند متعال است که در قرآن نیز بطور فراوانی با عبارات مختلف: اتقوا الله، اتقوا ربکم، اتقون بکار رفته است ترس از خدا از نعمت های بزرگ الهی است که نصیب هر کس گردد به صورت معجزه آسایی او را در مسیر اعتدال قرار می دهد. اگر کسی ترس از خدا داشته باشد اهرم بزرگی در وجود اوست که می توان با تکیه بر آن به امر و نهی دینی او همت گمارد و به نتیجه رسید.

چگونه بگوییم؟

مثلاً بگوییم: از خدا نمی ترسی اینگونه آبروی دیگران را می ریزی؟

از خدا بترس و به مال دیگران تعدی نکن.

بترس از شبی که فردایی برای تو نخواهد داشت و باید پاسخگوی اعمال ناروای خود باشی.

بترس که با این کارهای حرام عاقبت بخیر نشوی.

از خدا بترس چرا این اندازه جرات بر گناه پیدا کرده ای؟

نمونه عملی

امام صادق (ع) پس از آنکه اسحاق را مورد نهی از منکر خود قرار داد به او فرمود:

ای اسحاق از خدا بترس به گونه ای که او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند (۴۳)

همچنین وقتی عبدالله عموی امام جواد (ع) در پاسخ سوالی جواب ناصحیح داد امام (ع) به خشم آمد و به او

کرد و فرمود: ای عمو از خدا بترس و پرهیز کار باش، بسیار بزرگ است که در قیامت در پیشگاه خدا بایستی

و خدا به تو بفرماید چرا از این رو جهل ناآگاهی فتوا دادی. (۴۴)

۲۰- امر به معروف استکراهی

امربه معروف استکراهی آن است که گنهکار را از ترک واجب یا انجام حرام متنفر سازیم .

راههای ایجاد تنفر از گناه

ایجاد تنفر به گناه راه های متعددی دارد که به بیان آنها می پردازیم

۱. بیان اشتراک با تبهکاران بزرگ

گناه عده ای از گنهکاران با گناه برخی از تبهکاران تاریخ مشترک است و اگر ما به این وجه اشتراک اشاره کنیم به خاطر تنفر گنهکار از آن تبهکار تحت تاثیر قرار خواهد گرفت نظیر آنکه به کسی که سگ بازی می کند بگوییم : یکی از کارهای یزید سگ بازی بود که امام حسین (ع) آن را از اعمال زشت او شمرده است بنابراین شایسته نیست شما چنین وجه اشتراکی با او داشته باشید .

بیان وجه اشتراک باید با دقت و احتیاط انجام گیرد و از هر گونه زیاده روی و بزرگ کردن گناه و یا توهین به گنهکار پرهیز شود تا اثر معکوس نداشته باشد .

۲. تبیین ضرر گناه

راه دیگر ایجاد تنفر از گناه اشاره به ضرر است که در آن گناه یا ترک واجب نهفته است مثلا به کسی که فقرا را مورد بی احترامی قرار می دهد بگوییم : رسول خدا (ص) فرمود کسی که مسلمان فقیری را احترام کند خدا را در روز قیامت ملاقات نماید در حالی که از او خشنود است . (۴۵)

و یا به کسی که لباسی می پوشد که موجب شهرت انگشت نما شدن او می شود بگوییم : پیامبر (ص) فرمود: کسی که در دنیا لباس شهرت بپوشد خداوند در آخرت لباس ذلت به او می پوشاند . (۴۶)

یا به کسی که به دنبال ریاست طلبی است بگوییم : پیامبر (ص) فرمود : کسی که خود را بر گروهی از مسلمانان مقدم کند در حالی که می بیند کسی بهتر از او (برای انجام مسئولیت) در بین آنان وجود دارد به خداوند پیامبر او و مسلمانان خیانت کرده است . (۴۷)

۳. تفهیم همراهی گنهکار با دشمن

برخی از گناهان عمل به خواست دشمن است و اگر گنهکار بداند کار او مطلوب دشمنان اسلام و کشوری است از آن پرهیز می کند و دست کم استقبال بیشتری از تذکر نشان می دهد مثلا به خانمی که لباس بسیار

ارزشمند چادر مشکی را کنار می گذارد بگوییم: مستر همفر جاسوس انگلیسی می گوید: باید زنان مسلمان را فریب داد و از چادر عبا بیرون کرد. (۴۸)

۴. تبیین عذاب گناه از ارتکابی

راه دیگر ایجاد تنفر از گناه این است که عذاب آن را برای گنهکار تبیین نماییم مثلاً به کسی که طلا به گردن یا دست خود کرده است بگوییم:

پیامبر فرمود: هر کس دوست دارد حلقه ای از آتش به دست محبوبش کند حلقه ای از طلا به دست او کند و هر کس دوست دارد گردنبنندی از آتش به گردن محبوبش کند گردنبنندی از طلا به گردن او آویزد. (۴۹)

۵. اشاره به عاقبت گنهکاری

تبیین عاقبت شوم گناه تاثیر خوبی در ایجاد تنفر از گناه برای گنهکار دارد نظیر اینکه به دختر و پسری که بدون عقد شرعی رابطه دوستانه دارند بگوییم: دوستی دختر و پسر آغازی شیرین و پایانی تلخ و سیاه دارد.

یا به گنهکار مورد نظر بگوییم: ادامه این گناه تو را به تکذیب آیات قرآن می کشاند چنان که قرآن می فرماید: ثم کان عاقبه الذین اساءوا السواى ان کذبوا بايات الله وکانوا بها یستهزون (۵۰)

سپس عاقبت کسانی که مرتکب اعمال بد شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و به مسخره گرفتند.

۶. بیان ریشه گناه

وقتی کسی بداند عمل او از چه منشأ بدی نشأت می گیرد تاثیر پذیری او در ترک آن گناه افزایش خواهد یافت مثلاً به کسی که خنده بی موردی می کند بگوییم: امام حسن عسکری (ع) می فرماید:

خنده بی جا از نادانی است (۵۱)

۷. بیان سرنوشت گنهکاران مشابه

اعمال زشت عبرت انگیز است و برخی از گنهکاران عبرتهایی را از خود بجا می گذارند.

عبرت پندی است که از نظر کردن در احوال بد دیگران بدست می آید بیان سرنوشت بد کسانی که گناهی نظیر گناه فرد مورد نظر ما را داشته اند می تواند در او تاثیر گذار باشد. مثلاً کسی که تمکن مالی دارد اما به

تنگدستان کمک نمی کند و آنان را از خود محروم می گرداند این داستان را بیان می کنیم:

مردی با خانواده خود مشغول غذا خوردن بود غذای آنها مرغ بریان شده ای بود که در سفره داشت . در این هنگام فقیری به در خانه آمد و اظهار گرسنگی کرد آن مرد بر فقیر فریاد زد و او را از در خانه ی خود دور کرد دیری نگذشت که خود فقیر شد و امکانات زندگی از او گرفته شد و از شدت فقر و پریشانی از همسر خود جدا گردید و همسرش با مرد دیگری ازدواج کرد .

روزی آن زن با شوهر خود غذا می خورد و اتفاقاً غذای آنها مرغ بود که ناگاه فقیری در خانه ی آنها آمد و اظهار گرسنگی کرد مرد به همسرش گفت : مقداری نان و مرغ به فقیر بدهد .

وقتی زن به درب خانه رفت دید فقیری که درب خانه است همان شوهر اول اوست . ازدیدن این واقعه گریه کرد و برگشت . شوهرش پرسید چرا گریه می کنی ؟ همسرش پاسخ داد : این فقیر شوهر اول من بود و قصه ی خود که که با او غذا می خورد و فقیری را که از درب خانه دور کرد برای او نقل کرد .

شوهرش گفت : به خدا سوگند آن فقیری را که رد کرد من بودم و بر سر من فریاد کشید . (۵۲)

۸. بی ارزش نشان دادن گناه

عده ای از گنهکاران معتقدند که گناه آنها دارای ارزش است مثلاً گناه بی حجابی را برای خود تمدن بشمار می آورند در چنین مواردی باید بی ارزشی گناه را برای آنها بیان کنیم تا آنان که در اشتباهند آگاه گردند و گناه خود را ترک کنند.

حکیم نامی جهانگیر خان قشقای در ایام جوانی به موسیقی علاقمند بود و چندی هم در این راه تمرین کرده بود روزی برای تکمیل این هنر به اصفهان آمد ، در بازار اصفهان حرکت می کرد که از درب مدرسه صدر گذر نمود . او ازدیدن مدرسه طلبگی بسیار خوشحال شد و همه روزه صبح و عصر به آنجا می رفت . یک بار درویشی در مدرسه او را صدا زد و سوالاتی از شغل و نسب او کرد و جهانگیر خان جواب داد آنگاه درویش در چهره او خیره شد و گفت : گیرم که در این فن موسیقی فارابی زمان شوی ، باز هم مطربی بیش نخواهی بود.

جهانگیر خان گفت : سخن خوبی گفتمی و مرا از خواب غفلت بیدار کردی ، حال چه کنم که دنیا و آخرت در آن باشد .

درویش گفت : در همین مدرسه که آن را دوست داری مشغول تحصیل شو!

جهانگیر خان گوید : من از نفس پاک آن درویش و راهنمایی او ، به این مقام رسیدم . (۵۳)

۲۱- امر به معروف تحبیبی

امر به معروف تحبیبی آن است که عملی را که گنهکار ترک کرده است یا ترک گناهی را که انجام می دهد محبوب او گردانیم تا با این محبوبیت نسبت به وظیفه ی خود عمل نماید.

راههای ایجاد محبوبیت معروف ها و ترک منکرات

راههای ایجاد محبوبیت کارهای خوب و ترک کارهای بد عکس راه های ایجاد تنفر از گناه است و با توجه به اینکه این بحث مشابه بحث گذشته است و توضیح کاملی در آن بحث ارائه گردید در اینجا به اختصار عمل می کنیم و به دو مورد مهم و کلی از راه های ایجاد محبوبیت را مورد بررسی قرار می دهیم.

(۱) بیان اشتراک با نیکوکاران بزرگ

وقتی کسی بداند با انجام کاری با پیامبران و بزرگان دین وجه مشترک پیدا می کند به آن راغب می گردد و در نتیجه تاثیر پذیری او افزایش می یابد .
مثلا به کسی که اخمو و ترشروست بگوییم :

از ویژگی های پیامبر (ص) وائمه (ع) تبسم بود و شما هم همواره تبسم کنید تا وجه مشترکی با آنها داشته باشید یا به کسی که ریش خود را می تراشد و به پیامبر و اهل بیت آن حضرت علاقمند است بگوییم : شما محمد و آل محمد (ص) را بسیار دوست دارید و کسی که محبت حقیقی به آنها داشته باشد سعی می کند نقاط مشترک اخلاقی و رفتاری خود را با محبوب های خود افزایش دهد شما ریش خود را باقی گذارید تا وجه مشترکی با امام زمان (ع) در چهره داشته باشید .

(۲) تبیین منافع انجام معروف

وقتی مردم منافع عملی را بدانند به آن علاقمند می شوند و این محبت ، آنها را به سوی عمل می کشاند بنابراین بیان خواص و آثار و منافع انجام معروف یا ترک منکر پذیرش گنهکار را بیشتر می کند .

چگونه بگوییم ؟

مثلا به کسی که فریضه ی امر به معروف را ترک کرده است بگوییم : امیرالمومنین (ع) فرمود :

تمام اعمال خیر و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره ای در برابر دریای پهناورند . (۵۴)

یا به کسی که به بزرگسالان بی حرمتی می کند بگوییم رسول خدا (ص) فرمود :

البرکه مع اکابرکم (۵۵)

سعادت وافزونی نعمتها در وجود بزرگسالان شماست .

یا به کسی که به علمای دین بیحرمتی می کند بگوییم :امیرالمومنین (ع) فرمود :

من وقرّ عالما فقد وقرّ ربّه (۵۶)

کسی که عالمی را احترام کند همانا پروردگارش را احترام کرده است .

یا به کسی که اهل غیبت دیگران است بگوییم : پیامبر (ص) فرمود :

ترک غیبت نزد خدای عزوجل محبوبتر از ده هزار رکعت نماز مستحبی است . (۵۷)

نمونه عملی علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان گوید : چون به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم از

جهت خویشاوندی گاه گاهی به محضر مرحوم قاضی شرفیاب می شدم ، تایک روز در مدرسه ای ایستاده

بودم که مرحوم قاضی از آنجا عبور می کردند چون به من رسیدند دست خود را روی شانه ی من گذاردند

وگفتند : ای فرزند!

دنیا را می خواهی نماز شب بخوان و آخرت می خواهی نماز شب بخوان (۵۸)

۲۲- امر به معروف نکوهشی

بدون شك گناه مذموم است و گنهكار نكوهيده است اما تذكر دهنده كه در موضوع هدايت اوست نبايد او را سرزنش كند تا بتواند اصلاحات مورد نظر را در كاشانه ي درون و برون او پديد آورد حال اگر صميميت و مهرباني در اصلاح و هدايت او تاثيري نداشته باشد دليلي بر محبت كردن به كنهكار وجود ندارد و اگر بخواهيم با او سخن بگوئيم سخن معتدل خواهيم داشت كه نه گرمي محبت در آن باشد و نه سردی خشونت . چنين رفتار ميانه اي مي تواند در برخي گنهكاران تاثير گذار باشد اما اگر گنهكار در موقعيتي قرار دارد كه جز نكوهش در او اثری ندارد بايد او را امر و نهی نكوهشی كنيم و البته مراقب باشيم در مذمت او مرتكب فحش و افترا نگرديم همانگونه كه مسئله فقهی آن بيان گرديد .

شلاق نكوهش درد آور و سازنده است و نيازى به فحش نمى باشد و اگر نكوهش با كارشناسى لازم و بجا مورد استفاده قرار گيرد مانند نيشتريشفا بخش طيب است كه به بدن بيمار مى زند.

چگونه بگوئيم ؟

مثلا بهر كسى كه فحش مى دهد بگوئيم :

حيا نمى كنى هر كلمه ي زشتى را بر زبان جارى مى كنى ؟

يا به كسى كه حرمت پدر و مادر خود را نادیده مى گيرد بگوئيم : خجالت نمى كشى در برابر پدر و مادري

كه تو را به اين قدرت و جواني رساندند بي ادبى مى كنى ؟

يا به كسى كه حقى را ضايع مى كند بگوئيم :

واى بر تو حقوق مردم را ضايع مى كنى؟

يا به كسى كه رياست طلب است بگوئيم :

امام كاظم (ع) فرمود : كسى كه به دنبال رياست باشد هلاك مى گردد . (۵۹)

يا به كسى كه خود را جزء ارادل جامعه قرار داده است بگوئيم :

مى بينيم كه با اين رفتارهاى زشت موقعيت خود را به حراج گذارده اى ؟

يا به زنى كه با بي حيايى وارد جامعه شده است بگوئيم :

با اين بي حيايى و بي حجابي خداوند را از خود ناراضى مى كنى ، يا بگوئيم :

امام صادق (ع) فرمود: ایمان ندارد کسی که حیا ندارد. (۶۰)

نمونه عملی

روزی پیامبر (ص) از بازار مدینه عبور می کرد که چشمش به یک ماده ی غدایی افتاد و نظر او را جلب کرد به فروشنده گفت: چه پاکیزه است؟ قیمت آن چند است؟ آنگاه دست خود را در زیر آن فرو برد و مقداری از آن را زیر و ور کرد و دید جنس بدی را در زیر قرار داده است و روی آن را جنس خوب گذارده است بیان تذکر با قیافه و روحیه آرام و مشفقانه تا مردم را فریب دهد.

سپس به فروشنده فرمود:

نمی بینم تورا مگر اینکه خیانت و فریب دادن مسلمانان را در یک جا جمع کرده ای. (۶۱)

۲۳- امر به معروف مشفقانه

امر به معروف باید با محبت و صمیمیت انجام گیرد زیرا این ویژگی ها از ارزش ها پذیرفته شده ی همه ی مردم است و هر کس با ادبیات محبت سخن بگوید سخن او مورد استقبال قرار می گیرد بویژه اگر مخاطب دلسوزی او را احساس کند از سوی دیگر چون امر و نهی به دیگران صرف نظر از نوع بیان آن قدری بر گنجهکار سنگین دشوار است باید با عسل محبت در هم آمیزد تا از دشواری تندی آن کاسته گردد .

از محبت خارها گل می شود از محبت سجن گلشن می شود

از محبت خار سوسن می شود از محبت نار نوری می شود

وز محبت سرکه ها مل می شود وز محبت خانه روشن می شود

بی محبت موم آهن می شود وز محبت دیو حوری می شود

چگونه تذکر را صمیمی کنیم ؟

صمیمی کردن تذکر به سه گونه است :

(۱) استفاده از الفاظ محبت آمیز .

(۲) استفاده از جمله بنی های صمیمی و ملایم نظیر اینکه بگوییم:

حیف است که به خاطر لذتی زود گذر شما گرفتار عذاب آخرت شوید .

(۳) بیان تفکر با قیافه و روحیه ی آرام مشفقانه .

نمونه عملی

یکی از شاگردان شهید آیت الله سعیدی می گوید: مدتی بود که کسبه و معتمدین محل با مشکلی برخورد کرده بودند و آن ظاهر شدن زنی جذاب و زیبا با لباس های زننده بود او در آخر محله بود و هر روز به صورت زننده ای طول مسیر خیابان و محله را تا سر ایستگاه اتوبوس پیاده طی می کرد و نظر جوانان را به خود جلب می نمود . از آنجایی که محله ی غیاثی با نفوذ آن شهید بزرگوار و همکاری مردم از خودنمایی زنان به این صورت زشت در امان مانده بود این حرکت که تا حدودی حساب شده به نظر می رسید قابل تحمل نبود از این رو بعضی از مردم موضوع را با آیت الله سعیدی در میان گذاشتند او آنان را از هر گونه عکس العملی باز داشت و منتظر ماند تا خود به امر به معروف اقدام نماید .

روز بعد شهیدبا بعضی از اهل محل راه را براین زن گرفتند و با لحنی پدرانہ شروع بہ موعظہ او کرد و گفت :
خواہرم دارند شما را گول می زنند ... چرا شخصیت خود را فراموش کردہ ای؟ جواب خدا را جہ می دہی؟
سخنان آیت اللہ سعیدی چنان در روح آن زن اثر کرد کہ ہیجگاہ اورا در محلہ غیائی بی حجاب ندیدم (۶۲)

۲۴- امر به معروف استظهاری

گاهی موقعیت گنهکار به گونه ای است که به هر دلیل نمی توان او را امر و نهی کرد و نه تنها نمی پذیرد که چه بسا دشوارهایی هم برای تذکر دهندند ایجاد کند بهترین شیوه برای افرادی که یا از سنین بالایی برخوردارند یا عناوینی دارند که با وجود آن عناوین تسلیم امر و نهی ما نمی شود و یا از مقام خاص یا اعتبار قابل توجهی برخوردارند این است که تذکر ما به آنها به شیوه امر به معروف استظهاری می باشد یعنی نظر او را درباره ی گناهی که می کند یا واجبی که به آن عمل نمی کند بطور غیر مستقیم جویا شویم .

چگونه بگوییم ؟

مثلا به کسی که نماز نمی خواند بگوییم :

یکی از دوستان یا اقوام ما نماز نمی خواند به نظر شما به او چه بگوییم که این واجب الهی را انجام دهد ؟

و یا به او بگوییم :

نماز یک واجب الهی و ستون دین اسلام است و مهم آن است که آن را به صورت صحیحی بخوانیم تا به وظیفه ی دینی خود عمل کرده باشیم شما ببینید قرائت نماز من صحیح است .

یا به زنی که حجاب دینی را رعایت نمی کند بگوییم :

به نظر شما یک خانم مسلمان که به سن تکلیف رسیده است چه اندازه خود را باید بپوشاند که به آنچه خداوند واجب کرده است عمل کرده باشد

نمونه عملی

امام حسن و امام حسین (ع) که در زمان کودکی بسر می بردند به پیرمردی گذر کردند که وضوی صحیحی نمی گرفت برای هدایت پیرمرد بر وضو خود نزاع کردند و قضاوت را بر عهده ی او گذاردند و هر دو پیش او وضو گرفتند پیرمرد گفت : هر دوی شما وضوی خوبی گرفتید و این پیرمرد جاهل است که وضوی خوبی نگرفت.

۲۵- امر به معروف ذوقی

آمران به معروف باید بهترین ذوق و سلیقه خود را در شکار فرصت ها و موقعیت های مناسب بکار گیرند و فرد مورد نظر خود را هدایت کنند برخی از امر به معروف ها ابتکاری است و از ظرافت روحی و فکری تذکر دهنده سرچشمه می گیرد و چه بسا تحول چشمگیری در وجود گنهکار ایجاد کند و این چیزی است که به فرد تذکر دهنده و مخاطب او و شرایط و زمینه ها و نوع گناه بستگی دارد .

چگونه بگوییم ؟

مثلا به مخاطب خود بگوییم : نظر شما درباره کسی که نمک بخورد و نمکدان را بشکند چیست ؟ آنگاه پس از پاسخ او بگوییم فکر نمی کنی تو هم از کسانی باشی که نمک می خورد و نمکدان می شکنند ؟ می پرسد چطور یا چه کرده ام ؟ و ما هم می گوییم : تو روزی خدا را می خوری و نا فرمانی او را می کنی .
راننده جوانی را دیدم که علاقه بسیار زیادی به امام خمینی داشت و از جلالت بزرگی و شجاعت و علم و سلامت نفس او سخن می گفت من که کنار او نشسته بودم و به مطالب جوان گوش می دادم چشمم به دستش افتاد که حلقه ای از طلا بدست دارد وقتی سخن او به پایان رسید گفتم : فتوای امام خمینی این است که استفاده از طلا برای مردان حرام است و او بلافاصله گفت به محبتی که به امام خمینی دارم این حلقه طلا را به دست نخواهم کرد .

نمونه عملی

مردی نزد پیامبر (ص) سخن می گفت و بیش از حد صحبت کرد حضرت به او فرمود : دهان تو چند درب دارد ؟ عرض کرد دو درب دارد : یکی لب ها و دیگری دندان هایم .

رسول خدا (ص) فرمود : آیا این دو درب نمی تواند جلوی پر حرفی تو را بگیرد ؟ (۶۳)

۲۶- امر به معروف طنز آمیز

در برخی از موارد استفاده از طنز و مزاح می تواند میزان تاثیر امر و نهی دینی را افزایش داده و انجام آن را روان تر و بیان آنرا دلنشین تر سازد و گاهی تذکر تنها به همین شیوه میسر است البته باید مراقب باشیم به شخصیت کسی اهانت نشود و طنز و شوخی ما موجه ، سازنده و صالح باشد و لغو و لهو و باطل در آن راه نیابد و سخن حق خود را که ماموریت الهی برانجام آن داریم با لطافت و شوخ طبعی به گنهکار اعلام کنیم .

نمونه عملی

زمانی که نصرت الدوله وزیر دارایی بود لایحه ای به مجلس آورد به موجب آن دولت ایران یکصد سگ از انگلستان خریداری و وارد کند او شرحی درباره خصوصیت این سگ ها بیان کرد و گفت : این سگ ها شناسنامه دارند ، پدر و مادر دارند ، نژادشان معلوم است و به محض آنکه دزد را ببینند او را می گیرند . مدرس پس از شنیدن توضیحات شاهزاده نصرت الدوله دست خود را بر روی میز کوبید و گفت مخالفم .

وزیر دارایی گفت : هرچه لایحه می آوریم شما مخالفت می کنید دلیلش چیست ؟

مدرس ضمن آنکه تبسمی برلبانش نقش بسته بود جواب داد مخالفت من هم دلیل دارد و هم به سود شماست مگر نگفتید این سگ ها به محض دیدن دزد او را می گیرد ؟ بسیار خوب آقای وزیر دارایی با ورود این سگ ها به ایران اولین کسی که گرفتار می شود خود شما هستید پس مخالفت من به نفع شماست. (۶۴)

روزی هارون الرشید برای تفریح به جای نگهداری دیوانگان رفت . در میان دیوانگان جوان با متانت و آرامی را مشاهده کرد با او مشغول صحبت شد و به گمانش رسید که آوردن این جوان به این مرکز ظالمانه بود هاست در این هنگام هارون شرابی طلبید و خود جامی آشامید و جامی به جوان داد اما او از گرفتن شراب خوداری کرد .

هارون اصرار کرد تا جام شراب را بگیرد جوان دیوانه گفت تو شراب می نوشی که مثل من شوی اگر من بنوشم مثل چه کسی خواهم شد ؟

هارون خندید و دستور داد او را آزاد کنند. (۶۵)

۲۷- امر به معروف تکراری

برخی از گنهکاران به خاطر استمراری که در گناه خود داشته اند و یا به سبب علاقه یا عادتتی که به عمل خود پیدا کرده اند با یک بار امر و نهی دینی موفق به ترک منکر یا انجام معروف نمی شوند از این رو باید نسخه ای که برای درمان آنها انتخاب می کنیم چندباری که لازم است تکرار گردد و می شود هر بار از یکی از شیوه های مناسب بهره گرفت. امر و نهی دینی به هر اندازه که لازم باشد باید تکرار شود به شرط آنکه دارای تاثیر مثبت بوده و تاثیر منفی هم برای مخاطب و تذکر دهنده نداشته باشد از این رو اگر تکرار آن لازم باشد و این تکرار از سوی یک نفر تاثیر منفی نداشته باشد باید در آمران به معروف تنوع ایجاد گردد و همانگونه که اگر لازم باشد باید شیوه ها هم متنوع شود.

نمونه عملی

روزی «خوات بن جبیر» در راه مکه با عده ای از زنان طایفه ی بنی کعب نشسته بود پیامبر (ص) او را دید و فرمود: چرا با زن ها نشسته ای؟ خوات گفت: شتر سر کشی دارم که زن ها برای آن طنابی می بافند. پیامبر (ص) از او گذشت و به دنبال کاری که داشت حرکت کرد وقتی بازگشت دوباره او را دید فرمود: آن شتر چموش دیگر فرار نکرد؟

خوات گوید: خجالت کشیدم و چیزی نگفتم. بعد از آن واقعه هر گاه او را می دیدم خجالت می کشیدم و از جلوی چشم او فرار می کردم تا اینکه به مدینه رفتم و یک بار دیگر حضرت سخن خود را در مسجد تکرار کرد روز دیگری در حالیکه بر الاغ سوار بود به من رسید و فرمود: آن شتر دیگر فرار نکرد؟ عرض کردم به خدایی که تورا به نبوت برانگیخت از زمانی که مسلمان شدم آن شتر دیگر فرار نکرده است حضرت فرمود ((الله اکبر، الله اکبر))

خداوندا خوات را هدایت فرما. از آن پس او از مسلمانان واقعی شد و خداوند او را هدایت کرد (۶۶)

۲۸ - امر به معروف اعجابی

اظهار شگفتی از گناه گنهکار که از آن امر و نهی دینی احساس شود شیوه ی دیگر تذکر است که در بعضی از صحنه های اصلاح گرانه آمران به معروف مورد استفاده قرار می گیرد . تذکر اعجابی به خاطر تعجبی که از عمل گناه در آن ابراز می شود تاثیر گذار است این شیوه ی از تذکر می تواند بصورت مستقیم و غیر مستقیم وبدون خطاب انجام گیرد .

چگونه بگوییم ؟

مثلا آمر به معروف در مواجه با گنهکار بگوید : عجیب است که شما این گونه با پروردگار خود مخالفت می ورزید یا بگویید: من از ارتکاب این گناه شما شگفت زده شدم و یا با ادات تعجب مثل : وای ، آه ، عجب نهج نهج کردن و امثال آن که مفید تعجب باشد اظهار شگفتی نماید .

نمونه عملی

حسن بن مسعود گوید : خدمت امام هادی (ع) رسیدم در حالی که انگشتم خراشیده بود شانه ام با مرکب سوار تصادف کرد و آسیب دیده بود وجامه هایم را عده ای از مردم پاره کرده بودند گفتم : ای روز تو چه شر هستی خداوند شر تو را از من برگرداند .

امام (ع) فرمود: ای حسن توهم که با ما رفت و آمد داری گناه خود را به گردن بی گناه می گذاری؟ حسن گوید حیرت زده شدم و فهمیدم که خطا کرده ام عرض کردم : ای آقای من ، از خداوند آمرزش می خواهم .

حضرت فرمود : ای حسن روزگار چه گناهی دارد که وقتی شما به سزای اعمال خود می رسید آن را شوم می شمارید ؟

گفتم : استغفرالله ابداً این توبه من باشد یا بن رسول الله . (۶۷)

۲۹- امر به معروف غیر مستقیم

بسیاری از صحنه های امر و نهی دینی به گونه ای است که باید به صورت غیر مستقیم به این مأموریت الهی اقدام کرد وگرنه ممکن است کاری بی فایده و بلکه برای تذکر دهنده و گنهکار و فرهنگ امر به معروف زیان آور باشد و در آن صورت جایز نخواهد بود البته اینکه گفته می شود: اگر امر به معروف ضرر دارد باید ترک شود به این معنا نیست که بطور کلی ترک گردد بلکه اگر شیوه ای مضر است می توان شیوه ی دیگری را برگزید مگر اینکه امکان بکار گیری هیچ شیوه ای بدون ضرر میسر نباشد.

شیوه غیر مستقیم بدون تذکر نعمت بزرگی است که می توانیم با وجود آن بسیاری از امر و نهی های دشوار را انجام دهیم و با موفقیت از صحنه ی این جهاد بزرگ بیرون آییم.

راه های امر و نهی غیر مستقیم

راه های تذکر غیر مستقیم فراوان است و البته به ذوق و مدیریت تذکر دهنده نیز ارتباط دارد اما ما هم به بیان سه مورد مهم آن می پردازیم.

۱- تذکر به غیر گنهکار

ما می توانیم به فردی که نزد گنهکار حضور دارد تذکر دهیم تا فرد مورد نظر را ارشاد کرده باشیم در این صورت تذکر ما به صورت مجازی با گنهکار فرضی انجام می گیرد و باید هماهنگی های لازم را با او انجام داده باشیم در حقیقت این کار یک نمایش هنری اصلاح گرانه از سوی دو مومن است که مأموریت امر و نهی دینی را با مشارکت یکدیگر انجام می دهند این کار در بسیاری از جاها حتی به هنگام حرکت در معابر عمومی قابل اجراست.

۲- امر و نهی بدون خطاب

این کار می تواند بصورت های مختلفی انجام گیرد مثلاً به هنگام عبور از کنار یک بی حجاب با صدایی که به گوش او برسد این دستور پروردگار است که زنان خود را از نامحرم بیوشانند و جلوه گری نکنند گویی تذکر دهنده مطالب خود را تمرین و تکرار می کند و با این روش وظیفه ی خود را انجام داده است و کسی هم نمی تواند معترض او گردد البته باید به گنهکار بفهماند که منظورش تذکر به اوست.

ما می‌توانیم در حضور گنهکار گناه او را به صورت غیر مستقیم با فردی دیگر مورد بررسی قرار دهیم و مهم نیست که کسی که با او صحبت می‌کنیم از نیت ما آگاه باشد یا نباشد آنچه مهم است این است که گنهکار امر و نهی دینی ما را به خوبی احساس کند و بر او موثر باشد و از هر گونه تاثیر منفی و ضرر احتمالی بدور باشد .

۳- تحسین نیکوکار نزد گنهکار

این کار در صورتی انجام گیرد که اثر منفی در گنهکار نگذارد و بلکه اثر مثبت در او داشته باشد مثلاً در حضور گنهکار به او بگوییم من وظیفه خود دانستم از این ارزش خوبی که خداوند به شما داده است و اهل نماز یا مسجد، حجاب و یا هر کار خیر دیگری می‌باشید به شما تبریک بگویم یا از شما تشکر کنم یا شما را دعا کنم و یا به شما افتخار کنم یا بگوییم : متانت شما یا غیرت شما یا چادر شما مدال افتخار شماست .

۳۰- امر به معروف تبشیری

مژده و بشارت از اموری است که همه ی انسان های عالم بدون استثنا به آن علاقمندند و به آن توجه ویژه ای دارند زیرا محتوای بشارت مسرت بخش دل ها و شیرین کننده کام انسانهاست ازاین رو امر به معروف می تواند در مواردی که مدیریت موفق امر و نهی دینی اقتضا دارد بشارت را در تذکر خود مورد توجه قرار دهد و کام مخاطب خود را به آن شیرین کند در این صورت به یک آرامش روانی دست خواهد یافت و پذیرش او افزایش می یابد .

چگونه بگوییم ؟

مثلا به جوانی که واجبات عبادی خود را انجام نمی دهد بگوییم : نمازت را بخوان و از ارزش بزرگ عبادت خدا غافل نشو که پیامبر(ص) فرمود :

ان الله تعالى يباهي بالشاب العابد الملائكة يقول انظروا الى عبدی ترک شهوته من اجلی (۶۸)

همانا خدای متعال به جوان عبادت کننده بر فرشتگان افتخار می کند و می فرماید : به بندهام بنگرید که خواسته های نفسانی خود را به خاطر من ترک کرد .

آنگاه به او بگوییم نمی خواهی مورد افتخار خداوند قرار گیری ؟ چرا ازاین فرصت طلایی بهره نمی گیری ؟ از امروز تو می توانی از کسانی باشی که خداوند به او افتخار می کند .

یابه کسی که پدر و مادر خود نیکی نمی کند بگوییم : پیامبر (ص) فرمود :

کسی که نیکی به پدر و مادر وصله ی رحم را برای من تضمین کند من هم فراوانی مال، زیادی عمر و

دوستی خویشاوندان با او را برایش تضمین می کنم (۶۹)

۳۱- امر به معروف تهدیدی

تهدید به از دست دادن منافع و مصالح و افتادن در دشواری ها همواره در انسان ها تاثیر گذار بوده است زیرا سود و زیان انسان چیزی نیست که بتواند به راحتی از آن بگذرد از این رو امر به معروف تهدیدی برای کسانی که امر و نهی ساده و اندرزی و امثال آنها در آنها تاثیری ندارد گزینه ی خوبی در ارشادشان به شما رمی رود همانگونه که به مسائل فقیه ی آن اشاره گردید.

انواع تهدید

تهدید انواع مختلفی دارد :

- ۱- تهدید به قطع ارتباط با گنهکار ۲- تهدید به تحریم منافع و امتیاز های که در اختیار او گذارده ایم ۳- تهدید به آثار گناهی که مرتکب آن می گردد ۴- تهدید به ریختن آبرو و مفتضح شدن در میان مردم ۵- تهدید به مردن در حال گناه ۶- تهدید به گسترش سلطه ی شیطان بر او ۷- تهدید به باز گرفتن آنچه خداوند به گنهکار داده است ۸- تهدید به انتقام شدید و زودرس خداوند در دنیا ۹- تهدید به عذاب آخرت ۱۰- تهدید به مرگهای ناگهانی و زود هنگام ۱۱- تهدید به نزول عذاب ۱۲- تهدید به منتهی شدن گناه مستمر به تکذیب آیات خدا چنانکه آیه آن در شیوه استکراهی بیان گردید.

چگونه بگوییم ؟

مثلا به گنهکار بگوییم : اگر به ترک واجب خود ادامه دهی یا گناه خود را ترک نکنی ارتباط من با تو قطع خواهد شد .

نمی ترسی خداوند بر تو خشم کند و دست و پایی را که با آنها کتک می زنی فلج کند ؟

بترس از اینکه پایان زندگی ات به زودی فرا رسد و بدون توبه و ترک گناه به عالم دیگر منتقل شوی و در

حسرت و عذاب الهی قرار گیری ؟

از خدا نمی ترسی با جسارت گناه می کنی نمی ترسی با این جسارت تو را مفتضح کند که در هیچ مکانی

امنیت و آبرو نداشته باشی ؟

نمی ترسی در این ضرب و شتم ها که می کنی کسی در زیر کتک های تو کشته شود و در دنیا و آخرت رو

سیاه گردی ؟

پیامبر (ص) فرمود: قتل المومن اعظم عند الله من زوال الدنيا (۷۰)

کشتن مومن نزد خداوند از نابودی دنیا بزرگ تر است .

از خدا بترس و دختر خود را به ازدواج یک نفر فاسق گنهکار در نیاور که پیامبر (ص) فرمود: کسی که دختر

پاکش را به همسری یک فرد هرزه یا گمراه دهد روزانه هزار لعنت بر او فرود می آید. (۷۱)

نمونه عملی

ابراهیم الجعفری گوید: امام هادی یا امام رضا (ع) به من فرمود: چرا تورا نزد عبدالرحمن بن یعقوب

می بینم؟

عرض کردم: او دایی من است .

حضرت فرمود: او در باره خدا سخن نادرستی می گوید خداوند را (به صورت اجسام و اوصاف آنها)

توصیف می کند در حالیکه خداوند اینگونه توصیف نمی شود پس با او همنشین باش و ما را رها کن و یا با

ما همنشین باش و او را رها کن .

عرض کردم: او هر چه می خواهد بگوید اگر من به گفته هایش اعتقادی نداشته باشم چه ضرری برای من

دارد؟

امام (ع) فرمود: آیا نمی ترسی که عذابی بر او نازل گردد و هر دو شما را فرا گیرد؟ آیا داستان کسی که از

یاران موسی (ع) بود و پدرش از یاران فرعون بود را نمی دانی؟

وقتی لشکر فرعون به موسی رسید آن پسر از موسی جدا شد تا پدرش را نصیحت کند و به اصحاب موسی

ملحق سازد و پدرش همراه لشکر فرعون می رفت این پسر با پدر ستیزه می کرد تا اینکه هر دو به کناری از

دریا رسیدن و با غرق شدن فرعون و اصحابش آنها هم غرق شدن خبر به موسی (ع) رسید فرمود: اودر

رحمت خداست اما وقتی عذاب نازل شود از همراه گنهکار دفاعی نشود. (۷۲)

۳۲- امر به معروف تدریجی

روحیه گنهکاران متفاوت است و ظرفیت آنها از مراتب مختلفی برخوردار است برخی تحمل ندارند که در یک بار بطور کامل امر به معروف شوند و چه بسا در برابر آن لجاجت کرده و آن را رد کنند اما اگر به تدریج به آنها گفته شود می توان آن را هضم کرده و بپذیرند. تشخیص این افراد و مراتب تدریجی بودن تذکر به آنها با تذکر دهنده است گاهی تدریجی بودن با سرعت انجام می گیرد و در یک بار امر و نهی دینی به پایان می رسد و گاهی زمان بیشتری می برد و طی چند بار امر و نهی کارشناسانه علمی می گردد.

چگونه بگوییم؟

مثلا کسی که خمس مال خود را نمی پردازد و اگر یکباره به او گفته شود یک پنجم مال خود را پردازد حیرت می کند باید در یک مرحله با وجود حکم خمس در اسلام او را آشنا سازیم و بگوییم یکی از واجبات مهم دینی که در رساله های همه مراجع بیان شده باشد خمس است و هر مسلمانی باید یک پنجم مالش را با شرایطی که بیان شده است پردازد آنگاه در مرحله بعد درباره برخی دیگر از مسائل خمس و نحوه پرداخت آن مطالبی را با او در میان گذاریم و در مرحله سوم به او بگوییم: خمس مال خود را پرداخت کن تا اموال تو حلال گردد و آثار مثبت انجام این واجب در زندگی شما آشکار گردد.

۳۳- امر به معروف امید آفرین

اگر چه امر و نهی دینی برای ترک گناه و انجام واجب است اما می تواند ضمن محتوای خود آفرین باشد و اگر این ویژگی امید بخشی به تذکر ما افزوده گردد مخاطب با انگیزه بیشتری از آن استقبال می کند بویژه اینکه برخی گنهکاران به نا امیدی و یاس از موفقیت گرفتار آمده اند . اصولاً رعایت احکام خدا امید به خداوند ، امید به زندگی ، امید به آینده ی بهتر و موفقیت بیشتر و تحولات مثبتی را به همراه دارد و ما باید این مسائل را به گنهکار منتقل کنیم تا امید او در پرتو احکام خداوند بیشتر شود و به موفقیت‌هایی هم دست یابد .

چگونه بگوییم ؟

نماز بخوان که از یک انبساط خاطر و غنای روحی برخوردار شد، فشار های روحی تو کاهش می یابد و زندگی برایت معنا پیدا می کند زیرا زندگی بدون تکلیف الهی هرج و مرج و بیهودگی است .
و یا به کسی که پوشش دینی ندارد بگوییم : پوشش دینی داشته باش تا در آن به امنیت آرامش دست یابی
تومی توانی بنده خوب خدا باشی .

یا به کسانی که به مسجد نمی روند بگوییم : رسول خدا (ص) فرمود : اذا نزلت العاهات والافات غوفی اهل المساجد. (۷۳)

وقتی آسیب ها و بلا یا نازل می گردد مسجدی ها در امانند .

یا به کسانی که حرمت مادر خود را نگه نمی دارند یا از او حرف شنوایی ندارند بگوییم : پیامبر (ص) فرمود :
الجنة تحت اقدام الامهات. (۷۴)

بهشت زیر پای مادران است (یعنی با اطاعت و کسب رضایت مادر به بهشت می رویم)

۳۴- امر به معروف تدبیری

امر به معروف تدبیری آن است که گنهکار را به تدبیر در باره ی گناه خود وامی دارد و با این تدبیر اندیشه است که به خطای خود پی می برد . در بهره گیری از چنین شیوه ی باید سخنان حساب شده و دقیقی را که نیازمند تدبیر است خطاب به گنهکار بیان کنیم .

چگونه بگوییم ؟

مثلا بگوییم : به اندازه ای گناه کن که تاب تحمل عذاب آن را داری و شما در برابر عذاب الهی طاقتی نداری .

یا بگوییم :سقفی برای گناه خود تعیین کرده ای؟ تا کی می خواهی گرانفروشی کنی یا ربا بخوری یا قسم دروغ بخوری یا نماز نخوانی یا غیبت مردم کنی یا با جاذبه های زنانه ی خود در جامعه مردان را از یاد خدا غافل کنی یا مانند بچه های نابالغ و زنان و دختران چهره خود را با تیغ زن عریان کنی .

یا بگوییم : از کجا می دانی فردا هم زنده باشی که اکنون به گناه مشغولی و توبه نمی کنی ؟

یا بگوییم: آیا انصاف است که رزق خدا را بخوری و گناه کنی ؟(وگناه مورد نظر را ذکر کنیم).

نمونه عملی

مردی نزد امام حسین (ع) آمد و عرض کرد : من مردی گناهکارم و توان خودداری از معصیت را ندارم مرا موعظه کن .

امام (ع) فرمود : پنج کار را انجام ده و هرچه می خواهی گناه کن .

۱- روزی خدا را نخور و آنچه می خواهی گناه کن .

۲- از حاکمیت خدا بیرون رو و آنچه می خواهی گناه کن .

۳- جایی را انتخاب کن که خدا نبیند و آنچه می خواهی گناه کن .

۴- وقتی فرشته مرگ آمد تا جان تو را بگیرد او را از خود دور گردان و آنچه می خواهی گناه کن .

۵- وقتی مالک (۷۵) تورا وارد جهنم می کند داخل نشو و آنچه می خواهی گناه کن (۷۶)

۳۵- امر به معروف اندرزی

مدیریت امر به معروف از مسائل مهمی است که تذکر دهند ه باید آنرا به خوبی اجرا کند . او باید بداند که در چه صحنه ای از صحنه های اصلاحی کدامین شیوه را بکار گیرد تا تاثیر مثبت داشته باشد . گاهی روحیه و گناه مخاطب و زمینه های موجود به گونه ای است که امر و نهی دینی بصورت پند و اندرز مطرح شود طبیعی است که با تکیه بر پند و اندرز تذکر دهیم چه اینکه مسائل فقهی آن مطرح گردید . خدای متعال می فرماید: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما . (۷۷)

در شیوه امر و نهی اندرزی صمیمیت بیشتری بر فضای ارتباطها حاکم است و دلسوزی بیشتری از سوی تذکر دهنده ابراز می شود و گنهکار هم به خوبی آن را احساس می کند البته هر چه نفس تذکر دهنده پاکتر باشد موعظه او موثر خواهد بود .

چگونه بگوییم ؟

در این نوع از تذکر آمر به معروف از همه اطلاعات خود از شیوه ی و معارف دینی استفاده می کند و گنهکار را مورد ارشاد خود قرار می دهد البته شرایط و روحیه گنهکار و زمینه ها باید به طور کامل مورد توجه قرار گیرد و چه بسا موعظه کوتاهی کافی باشد و حوصله ی گنهکار اقتضا بیشتر نداشته باشد نظیر اینکه به کسی که زیبایی خود را وسیله غرور و فخر و خودنمایی قرار داده است بگوییم :

زیبایی تو یک نعمت الهی اما تو به جای شکر بر آن ، زیبایی خود را وسیله گناه قرارداده ای و یا بگوییم : اندازه عمر کسی معلوم نیست و شما با توبه به این گناه خود پایان بخش و نگذار که مرگ به آن پایان دهد . و یا به کسی که می خواهد دختر خود را به شرابخوار دهد بگوییم : دختر خود را به انسان شرابخوار نده که او را بدبخت خواهی کرد .

رسول خدا (ص) فرمود : من زوج کریمته من شارب الخمر فکانما ساقها الی الزنا . (۷۸)

هر کس دختر خود را به عقد شرابخوار در آورد مثل این است که او را به زنا کشیده است .

و یا به کسی که مرتکب گناهی می شود بگوییم : از خواب غفلت بیدار شو و سعادت خود را به ذلت فانی دنیا

نفروش . پیامبر (ص) فرمود : لردالمومن حراماً يعدل عندالله سبعین حجّه مبروره . (۷۹)

مومنی که عمل حرامی را رد کند پاداش هفتاد حج پذیرفته شده در نزد خداوند دارد .

نمونه عملی منظوم

در ایجا به نقل یک امر به معروف اندرزی که مولف به نظم در آورده است می پردازیم :

بد حجابی را بدیدم در گذر	غرق ظاهر بود و جلب رهگذر
گفتمش این کار را چون می کنی	بهر شهوت خلق مفتون می کنی
خود نمایی ره به گمراهی کشد	جلب نامحرم به بیراهی کشد
گفت آزادم چنین ره طی کنم	آنچه دلمخواهم بود را پی کنم
گفتمش راهت پر از تقصیرهاست	عقل تو در بند و در زنجیرهاست
راه تو غیر از ره دینت بود	چون هوای نفس آئینت بود
خلقت تونی بر این تزیین بود	مد پرستی نی طریق دین بود
لحظه ای در کار خود اندیشه کن	اندر این ره عقل خود را پیشه کن
عاقبت بنگر قیامت یاد کن	با خدا باش و به او دل شاد کن
گفت ما را خوش نصیحت می کنی	غافلان آگه ز غفلت می کنی
این حقایق نزد من مستور بود	زین سبب مویا تنم مکشوف بود
یار ما حق است عشق از آن اوست	نی هوسبازان در ظاهر چو دوست
من ندارم عذر از اعمال خویش	خود نمایی های پر اغفال خویش
چون کنم با آن نگاه در گذر	چون که با من در گنه شد رهگذر
گفتمش احسنت بر گفتار تو	این حقیقت فهمی و اقرار تو
توبه کن در پیش حق محبوب باش	ساده پوشی پیشه کن محبوب باش
حجب و عفت نعمت و اهب بود	ستر موها و تنت واجب بود
آنچه مستثنای از پوشش بگشت	قرص صورت باشد و کفین دست
گفت خاطی بودم و صائب شدم	معصیت می کردم و تائب شدم
زین سپس در پر توی احکام دین	جنگ با میل و هوس هایم بین
با عفاف و پوششی کامل شوم	بر رضای رب خود نائل شوم
می زنم فریاد یا اهل الهوی	من شدم آزاد از قید هوی
چادر آزادی بر سر کشم	در ره یاران زهرا پر کشم
بارالها بند هات را کن عطا	ساده پوشی و حجاب وهم حیا

۳۶- امر به معروف تمجیدی

ذکر خوبی های انسان ها حس خوب بودن را تقویت می کند و چنین حسی پرهیز از گناه و پذیرش امر و نهی دینی را آسانتر می سازد از سوی این باور را هم در گنهکار ایجاد می کند که تذکر دهنده به خوبی های او آگاه و در نزد او از مقبولیت هایی برخوردار است چنین باوری ارتباط با مخاطب را روان تر و تاثیر سخن را در او افزایش می دهد البته نباید ستودن گنهکار به گونه ای باشد که او را تباه کند زیرا تعریف در نزد دیگران اگر با کارشناسی لازم صورت نگیرد سبب تکبر خود برتر بینی و چه بسا موضع گیری در برابر امر و نهی گردد.

از این رو تعریف و تمجید از گنهکار مانند کارد دولبه ای می ماند که باید با احتیاط کامل استفاده شود یعنی تعریف از او باید معتدل و در حد نیاز باشد و با امر و نهی او تناسب داشته باشد .

چگونه بگوییم ؟

مثلاً به کسی که دانش آموز موفق است گفته شود :

دانش آموز موفق مثل شما که مورد توجه دیگران است نباید با افراد بد دهان و بی ادب همیشینی کند رسول خدا (ص) فرمود :

خداوندا فحش دهنده بد زبان را دشمن می دارد. (۸۰)

و به کسی که سر و وضع و لباس خود را مانند غربی ها کرده است بگوییم :

اصالت خود را حفظ کن، همان که هستی باش و در پوستین دشمنان قرار نگیر، پیامبر (ص) فرمود :

لیس منّا من عمل سنّه غیرنا (۸۱)

از ما نیست کسی که به آداب و روش غیر ما عمل کند

یا به کسی که به دین پایبند است و مرتکب گناهی می گردد بگوییم:

تو که متدین هستی دیگر چرا؟ ضربه ی گناه شما که اعتبار دینی دارید بیشتر از کسانی است که فاقد این اعتبارند. یا به کسی که سگ می فروشد بگوییم: این کار در شان کسی مثل شما نیست .

کسب بدی را انتخاب کردی رسول خدا (ص) فرمود: شرالکسب ثمن الکل (۸۲)

بدترین درآمد پول سگ است

۳۷- امر به معروف تاسفی

امر به معروف تاسفی آن است که به ترک واجب یا انجام حرام اظهار تاسف کنیم این شیوه در برخی از موارد بسیار مفید و در مواردی تنها راه امر و نهی دینی می باشد زیرا گاهی شرایط به گونه ای است که تنها سخن ممکن یا موثر یک اظهار تاسف از گناه مخاطب است .

چگونه بگوییم؟

مثلاً وقتی گنهکار را در حال قمار یا شنیدن موسیقی حرام و یا دیدن فیلم حرامی مشاهده نماییم بگوییم :
من به خاطر این گناهی که کردی برای شما متاسفم .

و اگر امکان یا فرصت یا زمینه ی این اظهار تاسف به این گونه نیست می توانیم با استفاده از ادات تاسف ، از گناه او اظهار تاسف کنیم مثلاً به هنگام عبور از کنار او با گفتن کلماتی مثل : وای ، وای گفتن ، آه کشیدن ، نج نجچ کردن ، اِ گفتن ، سر تکان دادن ، گفتن سبحان الله و یا لا اله الا الله تاسف خود را اعلام کنیم به گونه ای که امر و نهی ما از این اظهار تاسف معلوم باشد .

۳۸- امر به معروف توقعی

برخی از گناهکاران در موقعیتی قرار دارند که امر و نهی صریح موجب وهن آنهاست و اگر بتوان به گونه ای آنها را امر و نهی کرد که احساس اهانت نکنند لازم است همان گونه عمل شود یکی از شیوه های که نسبت به امر و نهی صریح آرامتر و محترمانه ترمی باشد امر و نهی توقعی است و امر به معروف توقعی آن است که به گونه ای داشتن و نداشتن توقع در امر و نهی دینی مطرح گردد .

چگونه بگوییم ؟

مثلا بگوییم : توقع نداشتیم که این کار حرام را انجام دهی .

از تو توقع داشتیم تن به چنین گناهی ندهی .

از کسی مثل شما انتظار نمی رفت به امانت دیگران خیانت کنی .

از شما انتظار دارم که دست کم در انجام واجباتی مثل نماز سستی نکنی .

۳۹- امر به معروف حکیمانه

حکمت عبارت از سخن صحیح و محکمی است که حق را آشکار و شبهه را زایل می کند و امر به معروف حکیمانه آن است که از چنان صحت و استحکامی برخوردار است که حق را بر گنهکار آشکار ساخته و هر گونه تردید و شبهه را از دل او پاک می گرداند .

گاهی شرایط گنهکار به گونه ای است که جزء تذکر حکیمانه تاثیری ندارد و تذکر دهنده باید بدنبال چنین شیوه ای باشد .

از ویژگی های این شیوه آن است که هر گونه راه فرار و بهانه جویی و مخالفت را بر مخاطب می بندد و حق را مانند خورشید وسط آسمان برای او روشن می گرداند اگر کسی گرفتار عناد ، لجاجت ، جهل ، مرکب و بندگی هواهای نفسانی نباشد بدون شک در برابر تذکر حکیمانه تسلیم خواهد شد هر چند اراده ی عمل به باور خود را نداشته باشد خدای متعال نیز به این شیوه برخورد با مردم چنین دستور داده است :

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نماز و با روشی که نیکوتر است با آنها مناظره کن . (۸۳)

نمونه عملی

«ابودرداء» از کسانی بود که در زمان جاهلیت بت پرستی می کرد او بتی را در منزل خود قرار داده بود و آن را می پرستید عبد الله بن رواحه و محمد بن مسلمه که از بت پرستی ابودرداء آگاه بودند منتظر فرصت بودند تا بت او را در هم شکنند.

یکبار که ابودرداء از منزل بیرون رفت وارد خانه ی او شدند و بتش را شکستند وقتی به خانه باز گشت به همسرش گفت : چه کسی این کار را انجام داده است ؟ همسرش پاسخ داد : نمی دانم تنها صدایی را شنیدم و هنگامی که نزد بت رفتم دیدم آن را شکسته و از منزل خارج شده اند آنگاه گفت : اگر این بت قدرتی داشت از خود دفاع می کرد.

ابودرداء که از جمله ی هدایت بخش همسرش متنبه گردید به او گفت : لباس مرا بیاور. لباسش را پوشید و روانه ی محضر رسول خدا (ص) گردید. پیامبر(ص) که از دور او را مشاهده کرد فرمود : این ابو درداء است که می آید و مسلمان شده است او آمد و به دستان حضرت مسلمان شد. (۸۴)

همچنین روزی ابوعلی سینا به مجلس درس ابوعلی بن مسکویه ، دانشمند معروف آن زمان حاضر شد و با کمال غرور گردویی را پیش ابن مسکویه انداخت و گفت : مساحت این را تعیین کن .
ابن مسکویه جزوه‌هایی از یک کتاب که در علم اخلاق و تربیت نوشته بود را پیش ابن سینا گذاشت و گفت
تو اول اخلاق خود را اصلاح کن تا من مساحت گردو را تعیین کنم تو به اصلاح اخلاق خود محتاج تری تا
من به تعیین مساحت این گردو (۸۵)

۴۰- امر به معروف مناظره‌ای

امر به معروف مناظره‌ای آن است که امر به معروف و گنهکار درباره‌ی عمل مورد تذکر به بحث و گفتگو می‌پردازند. در برخی موارد پس از بیان تذکر، گنهکار موضع‌گیری کرده و با دفاع از عمل خود به جدا با تذکر دهنده می‌پردازد اگر چه دفاع از ترک واجب و یا انجام منکر دفاع باطلی است اما گنهکار با تکیه بر بیان خود و دلایلی که به ذهنش می‌رسد وارد مناظره می‌شود از این روز تذکر دهنده باید قدری با جدل با گنهکاران و طرفنها و مغالطه‌ها و سخنان و شیوه‌های مختلف آنها آشنایی داشته باشد تا بتواند در برابر جدال آنها که قرآن از آن به جدال بالباطل، جدال به غیر سلطان و جدال به غیر علم یاد می‌کند از حق دفاع کند.

اما دفاع ما که دفاع از حق است باید یک دفاع حکیمانه و نیکو باشد چه این خداوند فرموده است:

ادع الی سبیل ربک بالحقمة والموعة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن ان ربک هو اعلم بمن ضلّ عن سبیلہ وهو اعلم بالمهتدین . (۸۶)

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها با روشنی که بهتر است استدلال و مناظره کن پروردگارت از همه آگاه تر است که چه کسی از راه او گمراه شده است و او به هدایت شدگان دانا تر است.

ما باید با گنه کارانی که در برابر امر و نهی دینی مجادله کرده سخنان زشت گفته و چه بسا اهانت می‌کنند به خوبی سخن بگوییم چه اینکه خدای متعال فرموده است: وقولوا للناس حسنا . (۸۷)

با مردم خوب سخن بگویید.

ما در فصل اول این کتاب بیست و پنج نوع مخالفت را مطرح کرده و به آنها پاسخ دادیم تا آمران به معروف بتوانند پاسخ لازم را به مخالفان بدهند و بیان آن پاسخ‌ها به گنه کاران خود یک مناظره کوتاه و جدال نیکویی است که انجام می‌گیرد.

اما در اینجا به یک مناظره‌ی فرضی که میان امر به معروف و گنه کار است می‌پردازیم تا نمونه‌ای جهت آشنایی و ورزیدگی بیشتر تذکر دهندگان گردد. آنچه در این مناظره آمده است همان مطالبی است که کم و بیش در صحنه‌های امر به معروف به میان می‌آید و ما به صورت جامع تر و کامل‌تری آنها را مطرح

می‌کنیم این مناظره میان یک آمر به معروف که از او با علامت اختصاری « آ » یاد می‌کنیم یا خانمی که حجاب را مراعات نکرده و با علامت اختصاری « ج » از او یاد می‌کنیم صورت گرفته است .

انتخاب گناه بی حجابی به خاطر آن است که این گناه ، گناه رایج ، گسترده و مبتلا به جامعه ماست که بیشترین تاثیر را در آلودگی و غیر دینی کردن فضای جامعه به همراه دارد .

آ: خانم محترم می‌بخشید این دستور خداوند است که خانم‌ها خود را از نامحرم بیوشانند و شما هم این دستور خدا را مراعات کنید و خود را بیوشانید .

خ: پوشیدن لباس یک مسئله شخصی است که هر کس برای خودش تصمیم می‌گیرد که چه لباسی را انتخاب کند و چگونه پوشد .

آ: بله یک مسئله شخصی است اما اسلام هم برای آن حدودی تعیین کرده است و شما باید این حدود الهی را مراعات کنید یعنی به جزء قرص صورت و دو کف دست ، خود را به طور کامل با لباس ساده ای بیوشانید .
خ: این نظر شماست و اسلام چنین چیزی نگفته است .

آ: این نظر اسلام است و ما بیان کننده ی آن هستیم و از پیش خود چیزی نگفتیم .

خ: اسلام کجا گفته است که خانم‌ها آنگونه که شما می‌گویید خودشان را بیوشانند ؟

آ: در آنجا که اسماء خواهر عایشه با لباس نازک نزد رسول خدا (ص) حاضر شد حضرت روی خود را از او برگرداند و فرمود : ای اسماء وقتی زن به بلوغ می‌رسد نباید چیزی از بدن او آشکار گردد مگر این و این و اشاره به دو کف دست و صورتش کرد. (۸۸)

خ: در قرآن هم حجاب آمده است ؟

آ: از جهت وظیفه دینی چه فرقی میان قرآن و سخنان پیامبر (ص) است ؟ شما اگر قرآن را قبول دارید باید سخنان پیامبر (ص) را هم قبول داشته باشید .

خ: آیا قرآن گفته است که ما باید با حجاب باشیم ؟

آ: آری ولی لازم نیست همه چیز در قرآن آمده باشد مگر نماز مغرب که سه رکعت است در قرآن آمده است ؟ مگر بلند خواندن نماز صبح در قرآن آمده است ؟ اسلام دو منبع نقلی دارد : قرآن و سخنان معصومین (ع) که آنها هم از سوی خدا می‌گویند این پاسخ را دادم که انتظار نداشته باشید همه احکام در قرآن آمده

باشد که در آن صورت قرآن مجلدات زیادی پیدا می کرد در عین حال حجاب از مسائلی است که در چند جای قرآن بیان شده است خداوند در سوره نور آیه ۳۱ می فرماید: **وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ** زنان باید با سر انداز خود گردن و سینه خویش را بپوشانند.

با توجه به اینکه قرآن و روایات به حجاب دستور داده اند شما باید همه ی بدن و موی سر خود را به جزء دو کف دست و قرص صورت بپوشانید .

خ: بله با این دلایل قرآنی و روانی حجاب حکم خداوند است و می پذیرم اما قبول کنید که اشکال هایی در ذهن ها هم وجود دارد و آن اینکه چرا حجاب خاص زنان است و مردها چنین وظیفه ای ندارند .

آ: زیرا بدن مردان مثل بدن زنان جاذبه های شدید جنسی ندارد.

خ: بله بدن زنان جاذبه جنسی دارد ولی شما نگاه نکنید .

آ: البته یکی از احکام خدا که در آیه سوره نور آمده است نگاه نکردن به زنان نامحرم است اما آیا با رابطه بی حجابی و نگاه کردن فکر کرده اید ؟

اگر شما حجاب خود را رعایت کنید دیگر نگاه حرام به کنار می رود و این یکی از برکات حجاب است و اگر بی حجابی کنید نگاه های آلوده را در جامعه زیاد می کنید و این یکی از آثار بد و حرام بی حجابی و جلوه گری زنان است .

خ: بله دقیقا این رابطه بین جلوه گری زنان و نگاه های حرام وجود دارد ولی به هر حال شما هم نباید نگاه کنید شما نگاه کردید .

آ: من نگاه نکردم نگاهم افتاد و این غیر از نگاه عمدی است و در همین نگاه افتادن هم شما مقصردید زیرا شما بودید که خود را در معرض نگاه نامحرم قرار داده اید نگاه من شما را به جلوه گری انداخت یا جلوه گری شما موجب نگاه من شد؟ من شما را به گناه انداختم یا شما مرا به گناه انداختی ؟

خ: سخن شما درست است من سبب نگاه حرام شما شدم ولی شما مسئول نگاه حرام خودتان هستید .

آ: البته من مسئول نگاه حرام خود هستم ولی شما هم مسئول هستید زیرا شما به این نگاه کمک کردید و اگر گناه نگاه حرام را ندارید اما گناه کمک به نگاه حرام را دارید و خداوند در قرآن می فرماید:

و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان. (۸۹)

بر گناه و تجاوز کمک نکنید .

پس شما دو گناه دارید: گناه جلوه گری نزد نامحرم و گناه کمک به انجام گناه و آلوده کردن جامعه.

خ: خدا فرموده است: ما زنان بدن و موی سر خود را به طور کامل بپوشانیم ولی نفرموده است از مدل های جذاب و لباسهای تنگ و آرایش استفاده نکنیم و من دوست دارم ضمن پوشش بدن لباس تنگ و کوتاه بپوشم و آرایش کنم.

آ: بله شما بدن خود را پوشانده اید اما به یک آیه دیگر قرآن هیچ توجهی نکردید در حالیکه شما خانم ها باید آیات مربوط به خودتان را خوب بدانید.

خ: مگر آیه دیگری هم درباره ی خصوصیات لباس و آرایش زنان هست؟

آ: البته که هست. خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب می فرماید:

و قرن فی بیوتکنّ و لا تبرّجن تبرّج الجاهلیّه الاولى.

در خانه های خود قرار گیرید و مانند دوره ی جاهلیت پیشین آرایش و خود نمایی نکنید.

این را هم بدانید که زن نباید از پوششی استفاده کند که جاذبه های آن جای جاذبه های برهنگی زن را بگیرد.

خ: ما باید با لباسی ساده خود را بپوشانیم و آرایش و جلوه گری نکنیم ولی استفاده از زینت مثل گلویند و انگو و امثال آن برای ما آزاد است زیرا این آیه نفرموده است زینت های خود را هم بپوشانید.

آ: مسئله آشکار بودن زینت مسئله دیگری است.

خ: یعنی چه مسئله دیگری است؟

آ: یعنی خداوند دستور صریح دیگری داده است که زنان زینتهای خود را بپوشانند.

خ: کجا دستور داده است؟

آ: در آیه ۳۱ سوره نور میفرماید:

ولا یبدین زینتهنّ

زنان زیور و آرایش خود را آشکار نکنند.

خ: من با آگاهی پذیرفتم که با لباس ساده خود را بپوشانم و آرایش و خود نمایی نکنم ولی این سوال

برای عده ای مطرح است که حق ما چه میشود که باید آزاد باشیم؟

آ: حق را خدا تعیین می کند که آفریننده ماست او ما را آفرید و حقوقشان را هم تعیین کرده است اما در این باره که زنان آزاد باشند هر گونه بخواهند بیرون آیند حقی را برای آنها به شمار نیاورده است تا به شکلی بیرون آیند حقی را برای آنها به شمار نیاورده است تا به شکلی بیرون آیند که جامعه را به سمت شهوت و غفلت از یاد خدا برند. اصلاً چرا شما حق را اینگونه مطرح می کنید؟ بگویید: حجاب حق زن است و نباید کسی این حق را از او سلب کند و باید این آزادی را در جامعه داشته باشد که خود را از تیر نگاههای آلوده بپوشاند و بازیچه ی دست هوسرانان نگردد. البته حجاب حق خدا، همسر و همه ی جامعه است که باید مراعات شود و از ترک آن آسیبی به بار نیاید و حق مردان از سلامت جامعه از بین نرود.

خ: این سوال هم در ذهن عده ای وجود دارد که حجاب زن به او و شوهرش مربوط میشود.

آ: بله این مربوط به داخل منزل است که نامحرمی هم در آنجا نباشد اما وقتی در جامعه یا جمع دیگران آمد اگر چه در منزل خود باشد حقوق دیگران هم مطرح است که می خواهند سالم زندگی کنند و گرفتار نگاه حرام نشوند و حق خدا هم مطرح است که دستور او هم اجرا گردد ضمن اینکه زن باید بیش از هر چیز به حیا پایبند باشد و جاذبه های زنانه ای خود را در معرض نگاه های نامحرم قرار ندهد.

همسر او هم باید غیرت داشته باشد که نامحرمان همسر او را نبینند و از دیدن ناموس او لذت حرام نبرند خداوند غیور است و غیرتمندان را دوست دارد و این از غیرت اوست که می خواهد زنان مومن خود را بپوشاند و گناه نکنند.

فکر میکنم با این بحث ها حجت بر شما تمام گردید.

خ: بله حجت بر من تمام شد و شبهه و تردیدی نماند که باید حجاب خود را به طور کامل مراعات کنم.

آ: خدا را شکر که شما هدایت شدید و از شما تشکر می کنم که حقایق را بدون تعصب جاهلانه و هواپرستانه پذیرفتید.

پی نوشت‌ها

- (۱) - تحریر الوسیله ، جلد ۱ کتاب الامر بالمعروف .
- (۲) - تحف العقول ، سخنان امام حسین (ع)
- (۳) - وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۲۵۵.
- (۴) - محجہ البیضاء ج ۵ ص ۲۵۶.
- (۵) - وسائل الشیعه ، جلد ۱۷ ص ۲۷۵
- (۶) - ویل للمطففین (وای بر کم فروشان)، سوره مطففین ، آیه ۱
- (۷) - امالی شیخ طوسی ، ص ۴۴۰
- (۸) - مجله ی پیام انقلاب ، ص ۶۹
- (۹) - مکارم الاخلاق ، ص ۴۷۳
- (۱۰) - الاختصار، ص ۲۱۸
- (۱۱) - وسایل الشیعه ، ج ۱۱ ، ص ۵۰۲
- (۱۲) - بحار الانوار ، ج ۴۶ ، ص ۶۸.
- (۱۳) - وسایل الشیعه ، جلد ۵ ص ۴۱۶
- (۱۴) - سیمای فرزندگان ، ج ۳ ص ۲۱۴
- (۱۵) - نهج الکرامه ، (سخنان امام حسین ۷) ، ص ۲۷۶، نوشته مولف .
- (۱۶) - بحار الانوار ، ج ۷۱ ، ص ۷۶.
- (۱۷) - مقدمه ی کتاب لقاء... نوشته میرزا جواد ملکی تبریزی.
- (۱۸) - بحار الانوار ف ج ۷۸ ، ص ۲۲۹
- (۱۹) - سوره حجرات ، آیه ۱۳
- (۲۰) - سوره نور ، آیه ۳۱
- (۲۱) - سوره نور ، آیه ۳۱
- (۲۲) - سوره بقره ، آیه ۸۳

- (۲۳) - سورة احزاب ، آیه ۳۳
- (۲۴) - سورة سورة نور آیه ۳۱.
- (۲۵) - سورة نور آیه ۳۱.
- (۲۶) - سورة نمل آیه ۳۴.
- (۲۷) - سورة نمل آیه ۵۲.
- (۲۸) - لطایف الطوائف ، ص ۱۳۶
- (۲۹) - عوالی اللثالی ، ج ۱ ص ۱۶۵
- (۳۰) - مستدرک الوسایل ، جلد ۱۷ ص ، ۳۰۰ ح ۲۱۴۰۶
- (۳۱) - مستدرک الوسایل ، جلد ۱۴ ص ، ۲۶۶ ح ۱۶۶۷۱
- (۳۲) - کنز العمال ، ج ۵ ، ص ۳۲۸ ، ح ۱۳۰۶۵
- (۳۳) - بحار الانوار ، ج ۴۷ ، ص ۳۹
- (۳۴) - رساله توضیح المسائل ، احکام لباس ، شرط پنجم.
- (۳۵) - استفتائات امام خمینی ، ج ۲ ، ص ۳۳.
- (۳۶) - همان منبع ، ص ۲۶
- (۳۷) - همان منبع ، ص ۱۹
- (۳۸) - مؤلف .
- (۳۹) - محجه البیضاء ، ج ۵ ، ص ۲۴۰
- (۴۰) - سورة حدید ، آیه ۱۶
- (۴۱) - ان منکم الا واردها ، سورة مریم آیه ۷۱ . یعنی کسی از شما نیست مگر اینکه وادر جهنم می وشد (از پل صراط که بر روی جهنم کشیده شده است می گذرد).
- (۴۲) - مجمع البیان ، ج ۶ ، ص ۵۲۶.
- (۴۳) - بحار الانوار ، ج ۵ ص ۳۲۴
- (۴۴) - بحار الانوار ، ج ۵۰ ص ۸۵
- (۴۵) - بحار الانوار ، ج ۷۲ ، ص ۳۸

- (۴۶) - مستدرک الوسائل ، ج ۳ ، ص ۲۴۵ ، ح ۳۴۹۱ .
- (۴۷) - التمهید ، ص ۱۹۰ .
- (۴۸) - حکایت کشف حجاب ، ص ۱۴ .
- (۴۹) - سن ابی داود ، ج ۲ ص ۲۷۹ ، ح ۴۲۳۶ .
- (۵۰) - سوره روم ، آیه ۱۰ .
- (۵۱) - تحف العقول ، سخنان امام حسن عسگری (ع) .
- (۵۲) - منتخب التواریخ ، ص ۴۰ .
- (۵۳) - زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقایی ، ص ۲۶ .
- (۵۴) - نهج البلاغه ف حکمت ۳۷۴ .
- (۵۵) - مستدرک الوسائل ، ج ۸ ، ص ۳۹۴ ، ۹۷۷۵ .
- (۵۶) - غرر الحکم .
- (۵۷) - مستدرک الوسائل ، ج ۹ ، ۱۱۷ .
- (۵۸) - سیمای فرزندگان ، ص ۲۱۴ .
- (۵۹) - بحار الانوار ، ج ۷۸ ، ص ۳۲۰ .
- (۶۰) - اصول کافی باب حیا .
- (۶۱) - وسایل الشیعه ، ج ۱۲ ، ص ۲۰۹ .
- (۶۲) - شهید سعیدی فریاد گری در سکوت ، ص ۶۳ .
- (۶۳) - محجه البیضاء ، ج ۵ ، ص ۲۰۵ .
- (۶۴) - داستانهای مدرس ، ص ۱۷۷ .
- (۶۵) - بزم ایران ، ص ۳۳ .
- (۶۶) - محجه البیضاء ، ج ۵ ص ۲۳۳ .
- (۶۷) - تحف العقول ، سخنان امام هادی (ع) .
- (۶۸) - کنز العمال ف ج ۱۵ ، ص ۷۷۶ ، ح ۴۳۰۵۷ .
- (۶۹) - مستدرک الوسائل ، ج ۱۵ ، ص ۱۷۶ .

- (۷۰) - عوالی اللثالی ، ج ۳ ، ص ۳۱۰
- (۷۱) - مستدرک الوسایل ، ج ۱۴ ، ص ۱۹۲
- (۷۲) - اصول کافی ، باب همنشینی با گنهکاران ، ح ۲.
- (۷۳) - مستدرک الوسایل ، ج ۳ ، ص ۳۵۶
- (۷۴) - جامع احادیث الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۴۲۸
- (۷۵) - فرشته ای که گنهکاران را به جهنم می برد.
- (۷۶) - بحارالنوار ج ۷۸ ، ص ۱۲۶ ، ح ۷.
- (۷۷) - سوره نحل ، آیه ۱۲۵.
- (۷۸) - عوالی اللثالی ، ص ۲۷۲.
- (۷۹) - مشکوه الانوار ، ص ۵۴۳
- (۸۰) - وسایل الشیعه ، ج ۱۱ ، ص ۳۲۷.
- (۸۱) - مجمع الزوائد ، ج ۸ ، ص ۳۸.
- (۸۲) - بحار الانوار ، ج ۶۹ ، ص ۲۵۹ ، ح ۳۵.
- (۸۳) - سوره نحل ، آیه ۱۲۵
- (۸۴) - بحار الانوار ، ج ۲۲ ، ۱۱۳.
- (۸۵) - تاریخ علوم عقلی در اسلام ، ص ۲۱.
- (۸۶) - سوره نحل آیه ۱۲۵
- (۸۷) - سوره بقره ، آیه ۸۳.
- (۸۸) - سنن داود ، ج ۴ ، ص ۶۴.
- (۸۹) - سوره مائده ، آیه ۲